



## پیش‌بینی استعداد روابط فرازنشویی براساس نقش جنسیتی دوگانه و خردمندی با در نظر گرفتن نقش میانجی رابطه جنسی در زنان متأهل

### Predicting the Extramarital Affairs Proneness Based on Psychological Androgyny and Wisdom, Considering the Mediating Role of the Sexual Relationship in Married Women

Nasim Zafargholizadeh  
Ali Khademi  
Reza Tasbihsazan Mashhadi

نسیم ظفر قلیزاده\*  
علی خادمی\*\*  
رضا تسبیح‌سازان مشهدی\*\*\*

#### Abstract

The purpose of this study is to predict the propensity to have extramarital affairs based on psychological androgyny and wisdom considering the mediating role of the sexual relationship. This study is basic and the research method was descriptive and a structural equation modeling. The statistical population includes married women in Urmia in 2017-2018, and 800 of these women were selected through an available sample. The research instruments were the Extramarital Affairs Scale (EAPS) by Zafar Gholizadeh, Khademi & Tasbihsazan Mashhadi (2021), the Sex Role Inventory (BSRI) by Bem (1974), the Three-Dimensional Wisdom Scale (3D-WS) by Ardel (2003), and the Sexual Relations Scale (SRS) by Hughes & Snell (1990). The results showed that all variables in the study, except for exchangeable orientation, had a significant negative relationship with the propensity to have extramarital affairs ( $P \leq 0/01$ ). The data were analyzed using Pearson moment correlation coefficient and structural equation modeling technique with SPSS version 22 and AMOS software, and to test the significance of the indirect paths, Sobel test was used. The results indicated that the model fit well, with both psychological androgyny and wisdom directly and indirectly (via sexual relationship) predicting the propensity to have extramarital affairs. Psychological androgyny and wisdom appear to play a key role in the propensity to have extramarital affairs, along with other factors including how people perceive their sexual relationships, and it is necessary to pay attention to these factors in the counseling situation.

**Keywords:** Extramarital Affairs Proneness, Psychological Androgyny, Wisdom, Sexual Relationship.

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی استعداد روابط فرازنشویی براساس نقش جنسیتی دوگانه و خردمندی با در نظر گرفتن نقش میانجی رابطه جنسی در زنان متأهل انجام شده است. این مطالعه بنیادی و طرح پژوهش توصیفی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل ساکن شهر ارومیه در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود که ۸۰۰ نفر از آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل مقیاس استعداد روابط فرازنشویی ظفرقلی‌زاده، خادمی و تسبیح‌سازان مشهدی (EAPS)، پرسشنامه نقش جنسیتی بیم (BSRI)، مقیاس سه‌بعدی خردمندی آردلت (3D-WS) و مقیاس رابطه جنسی هاگز و اسنل (SRS) است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری، با نسخه ۲۲ نرم‌افزار SPSS و AMOS و برای آزمون مسیرهای غیرمستقیم از آزمون سوبل استفاده شد. نتایج نشان داد همه متغیرهای پژوهش جز جهت‌گیری مبادله‌ای رابطه منفی معناداری با استعداد روابط فرازنشویی داشتند ( $P < 0/01$ ). نتایج حاکی از برآزش مناسب مدل است که در آن هم نقش جنسیتی دوگانه و هم خردمندی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم (از طریق رابطه جنسی) استعداد روابط فرازنشویی را پیش‌بینی کردند. دوگانه جنسیت و خردمندی در کنار سایر عوامل از جمله چگونگی درک افراد از روابط جنسی‌شان، نقشی کلیدی در استعداد روابط فرازنشویی ایفا می‌کنند و لزوم توجه به این عوامل در موقعیت‌های مشاوره‌ای ضروری است.

**واژه‌های کلیدی:** استعداد روابط فرازنشویی، نقش جنسیتی دوگانه، خردمندی، رابطه جنسی.

\* دکتری روان‌شناسی، گروه روانشناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

\*\* نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی، مرکز تحقیقاتی روانشناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

\*\*\* استادیار گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

## مقدمه

زندگی مشترک می‌تواند نتایج خوبی برای کیفیت کلی زندگی ارائه دهد (کالاگان، بروکس و پالمر، ۲۰۱۷). اگرچه بیشتر روابط رمانتیک شامل انتظارات از تک‌همسری است و مفهوم تلویحی درباره پیوندهای زناشویی انتظار وفاداری جنسی است. صرف‌نظر از جهت‌گیری‌های مذهبی، بیشتر مردم با این موضوع موافق هستند و معتقدند ازدواج یا پیمان ازدواج به‌طور ضمنی و صریح شامل وعده «رهاکردن دیگران» است. پس از آنکه این تعهد شکسته شود، بی‌وفایی در ازدواج رخ داده است (تافادزوا و هربرت، ۲۰۱۸). رفتارهای متفاوتی به‌عنوان روابط فرازنشویی<sup>۱</sup> در نظر گرفته می‌شود: از عشوه‌گری تا رابطه جنسی (سوی، اورگانسی و ساکن، ۲۰۲۰). محققان انواع مختلفی از خیانت از جمله جنسی/ جسمی و عاطفی را شناسایی کرده‌اند (شیرن، آپلانیز و واگنر، ۲۰۱۸). خیانت جنسی رابطه با فردی است که خارج از چارچوب زناشویی است و تنها یا عمدتاً برای ارضای نیازهای جنسی است که دل‌بستگی عاطفی کمی وجود خواهد داشت یا اصلاً وجود ندارد (اوبرله، دولی و ناگورنی، ۲۰۱۷). تحقیقات نشان می‌دهد احتمال بیشتری وجود دارد که زنان درگیر خیانت عاطفی<sup>۲</sup> شوند (ازکول، ۲۰۲۰). خیانت عاطفی رابطه عاطفی یا رفتارهای مبتنی بر عاطفه با فردی غیر از شریک زندگی بدون رفتار جنسی است (ازکول، ۲۰۲۰). نتایج پژوهش ده‌جی، چاله، دهقانی، هدایتی و ابراهیمی (۲۰۲۰) نشان داد ویژگی‌های حساسیت بین‌فردی و خشونت، با نگرش مثبت به روابط فرازنشویی زنان متأهل مرتبط است. فردوسی (۱۳۹۷) به این نتیجه رسید که بین کیفیت روابط زناشویی با نگرش به خیانت زناشویی در زنان متأهل رابطه معناداری وجود دارد. همچنین تیمرمانس و کورتویس (۲۰۱۸) بیان کردند در برنامه‌های دوستیابی تلفن همراه، کاربران زن در مقایسه با کاربران مرد تأیید بیشتر و مکالمات اغواکننده بیشتری دریافت می‌کنند و این امر به افزایش مطلوبیت درک‌شده منجر می‌شود و احتمال بیشتری وجود دارد که به همسر خود خیانت کنند و همسر جدیدی بیابند. در جامعه مدرن، روابط فرازنشویی به یک اتفاق عادی تبدیل شده است (جهان و همکاران، ۲۰۱۷). ۲۰ تا ۷۰ درصد روابط زناشویی گزارش کرده‌اند که درگیر در روابط فرازنشویی بوده‌اند (بیرنهام و همکاران، ۲۰۱۹). برخی محققان دریافتند تفاوت‌های جنسیتی در ارتکاب خیانت طی زمان کم‌رنگ شده است؛ به‌طوری‌که زنان نیز به‌اندازه مردان خیانت می‌کنند (آتش، ۲۰۱۸).

از دیدگاه روان‌شناسی تکاملی، افراد براساس اهداف بیولوژیکی و تولیدمثل خیانت می‌کنند تا بهترین نتیجه را برای بقا به‌دست بیاورند (فای و میمز، ۲۰۱۹). براساس الگوی سرمایه‌گذاری<sup>۳</sup> فریبکاری ممکن است است به‌دلیل تعادل‌نداشتن رضایتمندی، کیفیت معشوق‌های جایگزین و سرمایه‌گذاری ناکافی بر روابط زناشویی مانند تعهد زناشویی پایین رخ دهد (یان و ویز، ۲۰۱۹). گلاسر (۱۹۹۹) در تئوری انتخاب معتقد است زوجها با عشق شروع به زندگی مشترک می‌کنند، اما مشاهده می‌کنند که به‌تدریج صمیمیت اولیه از بین می‌رود. با گذر زمان، بعضی از زوجها از هم جدا می‌شوند، اما بیشتر زوجین با روزمرگی و یکنواختی به زندگی

1. extramarital affairs

2. emotional infidelity

3. investment model

خود ادامه می‌دهند و این زندگی را تحمل می‌کنند (لارکین، ۲۰۲۰)، اما برخی از زوجین برای خلاص شدن از یکنواختی زندگی، الکل مصرف می‌کنند یا پرخوری می‌کنند و مواد مخدر مصرف می‌کنند یا مرتکب روابط نامشروع می‌شوند. انگیزه مهم زن و مرد متأهلی که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شود، تنوع جنسی و عاطفی است (امامی، نوری و مهدوی، ۲۰۱۸).

برخی افراد استعداد بیشتری برای خیانت دارند (شاکلفرد و ویکس شاکلفرد، ۲۰۱۸). انتظارات نامناسب زناشویی، تفاوت در علایق، محرومیت احساسی و عاطفی، نارضایتی جنسی، بیکاری، بی‌فرزندگی، تنوع‌طلبی، هیجان‌خواهی، عزت‌نفس پایین، کمبود تعهد، سن ازدواج<sup>۱</sup> (سن پایین یا بالا هنگام ازدواج) و ازدواج تحمیلی به‌عنوان عوامل مرتبط با روابط فرزاناشویی است (جهان و همکاران، ۲۰۱۷). افرادی با ویژگی‌های شخصیتی ماکیاولیایی<sup>۲</sup>، خودشیفتگی<sup>۳</sup> و ضد اجتماعی<sup>۴</sup> (مثلث تاریک شخصیتی)<sup>۵</sup> احتمال بیشتری دارد که خیانت کنند (سوی، اورگانسی و ساکن، ۲۰۲۰). افراد با ویژگی‌های ماکیاولیایی بالا از فریب‌های جنسی<sup>۶</sup> بیشتری استفاده کنند. افراد با ویژگی‌های خودشیفتگی بالا دارای احساسات برتری، تسلط و استحقاق هستند. فرد با ویژگی‌های ضداجتماعی بالا همراه با نداشتن همدلی و تکانشگری بالا مشخص می‌شوند (سوی، اورگانسی و ساکن، ۲۰۲۰). افرادی با دلبستگی ناایمن<sup>۷</sup>، نگرش‌های مجازتری به رفتارهای واقعی ارتکاب به خیانت را گزارش می‌کنند (ازکول، ۲۰۲۰)؛ بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت تحقیقات انجام‌شده درباره خیانت و روابط فرزاناشویی حاکی از آن است که عوامل متعددی را می‌توان برای اقدام افراد به چنین کاری برشمرد که از میان این عوامل می‌توان به نقش جنسیتی دوگانه (آندروژنی روانی)<sup>۸</sup>، خردمندی<sup>۹</sup> و رابطه جنسی<sup>۱۰</sup> اشاره کرد.

یکی از عواملی که در روابط فرزاناشویی نقش ایفا می‌کند، نقش جنسیتی دوگانه (آندروژنی روانی) است (آتش، ۲۰۱۸). سازه نقش جنسیتی دوگانه در اوایل دهه ۱۹۷۰ توسط بیم (۱۹۷۴) معرفی و ارائه شد (بیم، ۱۹۷۴). براساس الگوی دوبعدی بیم (۱۹۷۴) هر فردی از لحاظ نقش جنسیتی ممکن است به‌عنوان شخصیت مردانه<sup>۱۱</sup>، زنانه<sup>۱۲</sup> یا آندروژن<sup>۱۳</sup> توصیف شود. نقش‌های جنسیتی، مجموعه باورهای رایجی درباره ویژگی‌های

- 
1. age at marriage
  2. Machiavellianism
  3. narcissism
  4. psychopathy
  5. dark triad
  6. sexual manipulation
  7. insecure attachment
  8. Psychological androgyny
  9. wisdom
  10. sexual relationship
  11. masculine
  12. feminine
  13. androgynous

شخصیتی و فیزیکی مردان و زنان است که باید براساس آن‌ها فکر، احساس و رفتار کنند (جیمز، ۲۰۲۰). نقش‌های جنسیتی را می‌توان انتظارات رفتاری براساس جنسیت زیستی تصور کرد. این نقش‌ها به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که مرتبط با مردان و زنان است (جیمز، ۲۰۲۰؛ گول و اسکاستر، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر، جهت‌گیری نقش جنسیتی<sup>۱</sup> یک فرد توسط میزانی که او از هنجارهای مردانگی یا زنانگی تبعیت می‌کند، تعیین می‌شود. مردانگی یا سنخ جنسیتی مردانه عبارت است از ویژگی‌های مربوط به مردان از جمله اتکای به نفس و مستقل‌بودن. درمقابل، صفات بیانی<sup>۲</sup> از جمله محبت، حساس‌بودن و نوع دوستی نشان‌دهنده زنانگی یا سنخ جنسیتی زنانه است (رایت و واچس، ۲۰۲۰). به‌طور سنتی، از مردانی که صفات مردانه بیشتری دارند، انتظار می‌رود ویژگی‌های کارگزاری<sup>۳</sup> مانند توانایی، قدرت، رقابت، صبوری، لیاقت و تأثیرگذاری را نمایان کنند و کمتر به بیان عواطف و احساسات خود پردازند (به‌ویژه نسبت به مردان دیگر) و زنان باید ویژگی‌های جمعی مانند حساسیت، دل‌سوزی و خونگرم‌بودن را نشان دهند (جیمز، ۲۰۲۰؛ گول و اسکاستر، ۲۰۲۰). در زنانی که صفت مردانگی زیاد باشد، ویژگی‌هایی مانند مستقل‌بودن، برتری‌جویی و رقابت‌طلبی دیده می‌شود (کریان و همکاران، ۲۰۲۰). از دیدگاه بم (۱۹۷۴) نقش جنسیتی مردی یک جهت‌گیری نقش جنسیتی است که در آن فرد ویژگی مردانگی زیاد و صفت زنانگی کم دارد. نقش جنسیتی زنی نیز یک جهت‌گیری نقش جنسیتی است که در آن فرد ویژگی‌های زنانگی زیاد و صفات مردانگی کمی دارد. «آندروژن یا دوجنسیتی» فردی است که در مشخصه‌های زنانگی و مردانگی نمره بالا می‌گیرد (گوی، ۲۰۱۹)؛ بنابراین دوجنسیتی (آندروژنی روانی) برای توصیف افرادی به کار می‌رود که سطوح بالایی از تصورات قالبی جنسیتی زنانه و ویژگی‌ها یا خصوصیات مردانه را دارند و مبتنی بر الگوی دوبعدی مردانگی و زنانگی است (رایت، ۲۰۲۰). شخصیت «آندروژن یا دوجنسیتی» شخصیتی است که ویژگی‌های روان‌شناختی مرد و زن را ترکیب می‌کند و هر دو ویژگی‌های روان‌شناختی مردانه و زنانه در آن‌ها وجود دارد (ویجل، ودلگا، شاپووال، کارتاشوا و سافرون نکو، ۲۰۲۰). کلبگ<sup>۴</sup> (۱۹۶۶) به نقل از حبیبی و فاطمی، (۱۳۹۴) با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده نتیجه گرفت افرادی با هویت جنسیتی وابسته به جنس (غیرآندروژنی‌ها)، انگیزه بیشتری برای حفظ یکپارچگی رفتاریشان با استانداردهای درونی شده با نقش جنسی خود دارند، در مقابل دوجنسیتی‌ها (آندروژنی‌ها) افرادی هستند که این ویژگی‌ها را ندارند و آزادانه بین رفتارهای مردانگی و زنانگی حرکت و کسب تجربه می‌کنند (بم، ۱۹۷۴). نگرش‌های یک فرد به نقش‌های جنسیتی می‌تواند نگرش‌ها یا تجربیات دیگری را شکل دهد. نقش‌های جنسیتی می‌توانند انتخاب‌های شغلی، سلامت روانی و روابط فرازنشویی جنسی را تحت تأثیر قرار دهند (کینگ، سینگ و میلنر، ۲۰۱۹). زنانی که باور به نقش‌های جنسیتی سنتی دارند، به انجام وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی خود می‌پردازند (دیک، صفویان و اسلز،

- 
1. gender role orientation
  2. expressive traits
  3. agentic
  4. Kohlberg

۲۰۱۹). همچنین زنان جوانی که نقش‌های سنتی را پذیرفته‌اند، بیشتر خود را ملزم به رفع نیازهای جنسی شریک زندگی خود می‌دانند، بدون اینکه از رابطه جنسی با همسر لذت ببرند. چنین زنانی شرکای متعدد و روابط جنسی خارج از چارچوب زندگی زناشویی بیشتری دارند (فلورس، ۲۰۲۰)؛ بنابراین نگرش‌های سنتی بر نقش جنسیتی جنبه‌های مختلفی از رابطه و احتمال ارتکاب به خیانت تأثیر قرار می‌گذارد (هورن و جانسون، ۲۰۱۸). در حال حاضر، فشار بیشتری برای برابری جنسیتی وجود دارد تا به تعادل بیشتری در توزیع و انصاف در نقش‌های جنسیتی منجر شود (گویی، ۲۰۱۹). نتایج پژوهش ماتود، بتنکورت، آیبانز و فورترس (۲۰۲۰) حاکی از وجود رابطه مثبت میان بهزیستی روانی و دوجنسیتی یا سنخ اندروژنی<sup>۱</sup> (افرادی که در هر دو بعد زنانه و مردانه بالا باشند) است. یو و شین (۲۰۲۰) بیان می‌کنند ایدئولوژی مردسالارانه<sup>۲</sup> عامل مهمی برای توضیح اعمال کنترل و خشونت مردان به زنان است. آن‌ها در پژوهش خود دریافتند که نگرش‌های نقش جنسیتی مردسالاری بر وقوع هر سه نوع خشونت روانی، جسمی و جنسی نسبت به زنان تأثیر می‌گذارد. یافته‌های پژوهش گویی (۲۰۱۹) نشان داد زنان دارای نگرش‌های مرتبط با برابری نقش‌های جنسیتی از سطح بهزیستی روان‌شناختی بالاتر، سلامت ذهنی و رضایت بیشتر از زندگی برخوردارند. نتایج پژوهش دهقان هراتی، شیروانی و سلمانی ندوشن (۲۰۱۷) نشان داد طرحواره‌های نقش جنسیتی<sup>۳</sup> به‌طور مثبت و قابل توجهی روابط فرازناشویی زوجین را پیش‌بینی می‌کند. براساس نتایج تحقیق آن‌ها می‌توان گفت بین طرحواره‌های نقش جنسیتی و روابط فرازناشویی رابطه معناداری وجود دارد و به این معناست که وجود کلیشه‌های جنسیتی قوی‌تر با روابط فرازناشویی رابطه‌ای مثبت دارد؛ به‌طوری‌که طرحواره‌های نقش جنسیتی در دختران و پسران از سنین پایین شکل می‌گیرد و زنان و مردان به‌طور غیرفعال برای سرنوشت جنسیتی خود برنامه‌ریزی می‌شوند. تولمن، دیویس و بومن (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که کلیشه‌های جنسیتی مردانگی<sup>۴</sup> در مقایسه با کلیشه‌های جنسیتی زنانگی<sup>۵</sup>، عامل قوی‌تری در پیش‌بینی احساس نابرابری جنسیتی در روابط جنسی است. محسن‌زاده، نظری و عارفی (۱۳۹۰) در پژوهشی درباره عوامل نارضایتی و خیانت زوجین گزارش کردند که تعارض بر سر نگرش‌های نقش جنسیتی می‌تواند سبب روابط فرازناشویی شوند. ابوالقاسمی و کیامرثی (۱۳۸۵) نیز نشان دادند زنان دوجنسیتی (آندروژن) سازگاری زناشویی و سلامت روان بیشتری دارند.

یکی از متغیرهایی که در این حوزه کمتر بحث شده است، خردمندی است. مفهوم خرد، باستانی و عمیقاً در تاریخ فرهنگی بشریت است (گراسمن، گرلاخ و دنیسن، ۲۰۱۶). مفهوم خرد حدود پنج هزار سال پیش گسترش یافت و از آن زمان تاکنون در زمینه‌های مذهبی، فلسفی و در نوشته‌های سقراط، محاورات افلاطون

- 
1. Androgynous type
  2. patriarchal ideology
  3. gender role stereotypes
  4. masculinity Stereotypes
  5. femininity Stereotypes

و کتاب/خلاق نیکو ماخوس<sup>۱</sup> اثر ارسطو بررسی شد (لی و همکاران، ۲۰۲۰). اولین تحقیقات تجربی در زمینه خردمندی توسط بالتز و اسمیت (۱۹۹۰) در آلمان و کلیتون و بیرن (۱۹۸۰) در ایالات متحده آغاز شد. بالتز و استودینگر (۲۰۰۰) خرد را به‌عنوان دانش کاربردشناسی گسترده با تمرکز بر جنبه‌های شناختی و عقلانی تعریف کردند. کلیتون و بیرن (۱۹۸۰) مؤلفه‌های عاطفی<sup>۲</sup> (شامل همدلی و دلسوزی)، شناختی<sup>۳</sup> (شامل دانش و تجربه) و تأملی<sup>۴</sup> (شامل بینش و درون‌نگری) را درباره‌ی تعریف خردمندی ارائه دادند. آردلت (۲۰۰۴) نیز به تعریف خردمندی به‌عنوان ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه بعد گسترد شناختی، تأملی و عاطفی پرداخته است که هر یک از آنها باید وجود داشته باشند تا یک فرد خردمند در نظر گرفته شود. شاخص شناختی خردمندی شامل توانایی و گرایش به درک زندگی و توجه به معانی عمیق‌تر آن به ویژه با توجه به موضوعات درون‌فردی و بین‌فردی است. شاخص تأملی خردمندی ناظر بر ملاحظه رویدادهای زندگی از دیدگاه‌های گوناگون با هدف کسب بینش نسبت به ماهیت پدیده‌هاست. شاخص عاطفی خردمندی دلالت بر وجود احساسات مثبت (شامل همدلی و شفقت) و نداشتن عواطف و رفتارهای منفی به دیگران است (آردلت، ۲۰۰۳). خردمندی از نوجوانی تا اوایل بزرگسالی افزایش پیدا می‌کند (جسته، لی، پالم و تریچلر، ۲۰۲۰)، چنانکه اریکسون<sup>۵</sup> (۱۹۸۴) به نقل از برینزا، کانگ، سانتوس، بوبوسل و گراسمن، (۲۰۱۸) خردمندی را شکلی از بلوغ فردی می‌داند که با حل بحران تمامیت در برابر ناامیدی<sup>۶</sup> در اواخر عمر به‌دست می‌آید. در ادبیات روان‌شناسی، خردمندی به‌عنوان ویژگی‌های تأمل و قضاوت تجلی می‌یابد. در واقع یک پدیده‌ی عاطفی و انگیزشی و یک مفهوم عمل‌گراست (آکون، ۲۰۲۰). ویژگی‌های اخلاقی خردمندی شامل تعادل منافع فردی در مقابل منافع دیگران، جهت‌گیری به سمت انسانیت مشترک و پیگیری حقیقت است. همچنین عوامل فراشناختی خردمندی شامل سازگاری، چشم‌انداز‌گرایی، تفکر دیالکتیکی و تأملی و فروتنی معرفتی است (جسته و همکاران، ۲۰۲۰). خردمندی با شاخص‌های یک زندگی خوب از جمله تنظیم شناختی انطباقی، ذهن‌آگاهی، تعادل نیازهای مشترک و خودحفاظتی، استنتاجات منطقی برای برطرف کردن تعارض مرتبط است (برینزا و همکاران، ۲۰۱۸). تحقیقات زیادی نشان داده‌اند که خردمندی با نتایج مثبتی از جمله سلامت جسمی و روانی، بهزیستی، شادمانی، رضایت از زندگی، تاب‌آوری<sup>۷</sup> و سطوح پایین‌تری از احساس تنهایی<sup>۸</sup> رابطه دارد (وو، لئو، گیو، سای و ژو، ۲۰۲۰). آردلت و جسته (۲۰۱۸) دریافتند مدل سه‌بعدی خردمندی آردلت با توانایی افزایش‌یافته‌ای برای کنترل کردن تجربه‌ی رویدادهای آسیب‌زای زندگی مانند فقدان‌ها مرتبط است.

- 
1. nicomachean ethics
  2. affective
  3. cognitive
  4. reflective
  5. Erikson
  6. crisis of integrity versus despair
  7. resiliency
  8. feeling lonely

خردمندی به‌ویژه در بعد تأملی، رابطه مثبتی با بهزیستی ذهنی<sup>۱</sup> دارد. همچنین رابطه معکوس میان تجربه رویدادهای آسیب‌زای زندگی در طول سال‌های گذشته و بهزیستی ذهنی را میانجی‌گری می‌کند. بعد تأملی (ژرف‌نگری) خودآگاهی را رشد می‌دهد و همزمان موجب افزایش شناخت و عواطف می‌شود. شناخت این مسائل به فرد کمک می‌کند، مهارت‌های معنوی و خودکنترلی را کسب کند (نوری، ۱۳۹۲). یافته‌های پژوهش برهان و بزو (۲۰۱۷) نیز حاکی از آن بود که بین خرد و معنویت رابطه مثبت آماری معناداری وجود دارد. معنویت نقشی اساسی در پایداری خانواده دارد (مک‌آلیستر و همکاران، ۲۰۲۰). شاهین، بالوگلو، اردم و اردم (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افراد خرمدند دیدگاه جامع‌تری به تعهد زناشویی و حقوق طرفین در سراسر زندگی دارند. توماس و همکاران (۲۰۱۹) اظهار کردند خرمدندی به‌عنوان یک ویژگی پیچیده با بهزیستی و پیری سالم مرتبط است. تحقیق آردلت، گراخ و وایلانت (۲۰۱۸) نیز نشان داد خرمدندی پیش‌بینی‌کننده ثبات عاطفی است. شواهد تجربی نشان می‌دهند توانایی و استعداد افرادی که تفکر خرمدندانه دارند، به‌طور قابل‌توجهی در زمینه‌های تجربی‌ای که در طول زندگی با آن روبه‌رو هستند متفاوت است (گراسمن، ۲۰۱۷) به‌ویژه یک ساختار فکری شناختی (که ساخته تحصیلات، محیط و تجربه‌های فرد است) به تفکر خرمدندانه منجر می‌شود (گراسمن، ۲۰۱۷). به‌نظر می‌رسد عوامل تجربی، موقعیتی و فرهنگی در شکل‌گیری خرمدندی بسیار مؤثر است (گراسمن، ۲۰۱۷). هاین، اکس، شای و مک‌گرگور (۲۰۱۷) بیان کردند بیشتر افراد می‌توانند درباره تعارض‌های اجتماعی دیگران نسبتاً عاقلانه استدلال کنند، اما برای انجام این کار درباره خودشان دچار تعارض می‌شوند (پارادوکس سولومون<sup>۲</sup>). آن‌ها در پژوهش خود دریافتند افراد خرمدند واقعی از راهبردهای استدلال منطقی مانند پیگیری ایده‌آل‌های شخصی و کمک به افراد دیگر برای حل تعارض‌های شخصی و اجتماعی خود استفاده می‌کنند که به تعدیل این پارادوکس منجر می‌شود. سانتوس، هاین و گراسمن (۲۰۱۷) دریافتند افراد خرمدند در تعارض‌های بین‌فردی از راهبردهای فراشناختی<sup>۳</sup> که افراد را به سمت تعادل نیازهای مختلف هدایت می‌کند، استفاده می‌کنند.

از دیگر عوامل مرتبط با استعداد روابط فرازناشویی، رابطه جنسی است (جهان و همکاران، ۲۰۱۷). برای بسیاری از مردم، تمایل‌های جنسی بخش بنیادی یک رابطه است که این امر هم در افراد مجرد و هم در افراد متأهل ثابت شده است. کاهش میزان رضایت از رابطه جنسی، تمایل بیشتری برای درگیر شدن در روابط فرازناشویی ایجاد می‌کند (گونزالس ریورا، آکوئینو سرانو و پرزتورس، ۲۰۲۰). دلایل فیزیکی درگیر شدن در روابط جنسی عبارت‌اند از: کاهش استرس، لذت، مطلوبیت جنسی و هیجان‌خواهی. انگیزه‌های عاطفی شامل عشق و تعهد، ابراز وجود و افزایش عزت‌نفس هستند (بروئر و آبل، ۲۰۱۵). بعضی از همسران نیز برقراری روابط جنسی خارج از چارچوب زناشویی را به‌عنوان ابزار انتقام انتخاب می‌کنند (زارع، ۲۰۱۱). کلارک و میلز

- 
1. subjective well-being
  2. solomon's paradox
  3. metacognitive strategies

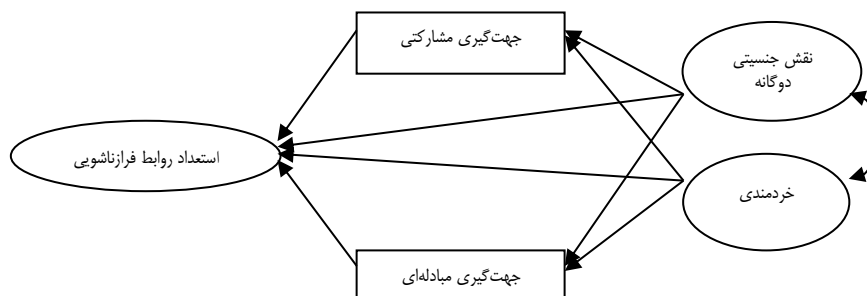
در سال ۱۹۷۹ اولین کسانی بودند که نظریهٔ جهت‌گیری در روابط<sup>۱</sup> را معرفی کردند. آن‌ها این نظریه را بر پایهٔ حاکمیت قاعدهٔ دادوستد و منفعت ارائه دادند. جهت‌گیری در روابط جنسی می‌تواند مبادله‌ای<sup>۲</sup> یا مشارکتی<sup>۳</sup> باشد. جهت‌گیری مبادله‌ای در چگونگی درک افراد از روابط جنسی‌شان نقش مهمی ایفا می‌کند. این‌گونه افراد رابطه را با دقت زیر نظر می‌گیرند تا نسبت هزینه/منفعت خودشان و شریک زندگی‌شان را پیگیری کنند. افرادی که چنین دیدگاهی در رابطهٔ جنسی دارند، اغلب نگران این هستند که در رابطهٔ جنسی چه می‌دهند و چه می‌گیرند و اینکه این مبادله‌ای برابر است یا نه (جارویس، مک‌کلور و بلگر، ۲۰۱۹). در مقابل جهت‌گیری مبادله‌ای، جهت‌گیری مشارکتی است. جهت‌گیری مشارکتی، برقراری رابطه براساس توجه و علاقه‌مندی به رفاه و بهزیستی شریک زندگی تعریف شده است (لی، ایمپت، لمای، مویس و تسخای، ۲۰۱۸). در جهت‌گیری مشارکتی افراد به یکدیگر توجه می‌کنند؛ البته بدون نگرانی برای آنچه در عوض دریافت خواهند کرد. جهت‌گیری مشارکتی، انگیزهٔ مشارکتی<sup>۴</sup> نیز نامیده می‌شود. انگیزهٔ مشارکتی یا انگیزهٔ توجه به رفاه و بهزیستی دیگران جزء مهمی از ارضای روابط بین‌فردی و بهزیستی ذهنی است (استافورد، ۲۰۲۰). این افراد احساس مسئولیت در مقابل رضایت و تأمین جنسی شریک زندگی خود دارند و زمانی که خود را وقف شریک زندگی رمانتیک خود می‌کنند، احساس رضایت بیشتری دارند (مویس، برگرون، ایمپت، دیلسه و روزن، ۲۰۱۸). همچنین آن‌ها منافی با قصد برآورده کردن نیازی پیش‌بینی شده یا دریافت‌شده فراهم می‌کنند، بدون اینکه منافع آینده را در تبادلات در نظر بگیرند؛ زیرا فردی با جهت‌گیری مشارکتی به دلیل توجه به بهزیستی شریک خود انگیزه می‌شود (جارویس، مک‌کلور و بلگر، ۲۰۱۹). براساس چندین الگوی برجستهٔ رضایت جنسی و رضایت ارتباطی (از جمله نظریهٔ دلبستگی، الگوهای تبادل اجتماعی رضایت ارتباطی، الگوی تبادل بین‌فردی رضایت جنسی)، رضایت جنسی و رضایت ارتباطی سازه‌های مجزا اما مرتبط به هم هستند (فالیس، رحمان، وودی و پوردون، ۲۰۱۶). یافته‌های لای و فونگ (۲۰۱۹) حاکی از آن است که فعال‌سازی کمتر طرحوارهٔ جهت‌گیری مشارکتی به میزان فراوانی رابطهٔ منفی بین میزان استرس ادراک‌شده روزانه و تعاملات سازنده در روابط زوجین را میانجی‌گری می‌کند. کیم، مویس و ایمپت (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند، افرادی که درخواست‌های جنسی شریک زندگی خود را به روش‌های مثبت رد می‌کنند، هم آن‌ها و هم شریک زندگی‌شان رضایت ارتباطی بیشتری را تجربه می‌کنند. مکسول و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند زمانی که افراد عدم توافق‌های بیشتری بر سر رابطهٔ جنسی تجربه می‌کنند، سطح پایینی از کیفیت رابطه دارند. پژوهش دی، مویس، جوئل و ایمپت (۲۰۱۵) نشان داد افرادی که جهت‌گیری مشارکتی دارند و به نیازهای جنسی شریک زندگی خود اهمیت می‌دهند، رضایت جنسی و ارتباطی بیشتری دارند.

- 
1. relational orientations
  2. exchangenal orientation
  3. communal orientation
  4. communal motivation



برخی محققان معاشقه‌های گاه و بیگاه یا انواع دیگر خیانت را مرتبط با کسب مزایایی خاص، شامل خلق‌وخوی خوب، حالت هیجانی و تشکیل یک رابطه روحی (عاطفی) یا یک رابطه هیجانی با معشوقه جدید می‌دانند، اما بیشتر مطالعات نشان می‌دهند، زنجیره‌ای از رویدادهای زیان‌آور را به‌همراه دارد (نورونا، اولمستید و ولش، ۲۰۱۸). واکنش‌های فرد آسیب‌دیده از خیانت شامل خشم و غضب، احساس بی‌کفایتی، سردرگمی، آسیب‌دیدن عزت‌نفس، کاهش اعتمادبه‌نفس و افسردگی است (ازکول، ۲۰۲۰). صدمه عاطفی نیز در صمیمی‌ترین روابط و به‌ویژه در مواردی از خیانت در روابط عاشقانه افزایش می‌یابد (کورنیش، هنکس و گوباش‌بلک، ۲۰۲۰). زوج درمانگران مطرح می‌کنند، خیانت به‌عنوان مسئله اصلی نیمی از زوج‌هایی است که به جست‌وجوی درمان می‌پردازند (گارزا، ۲۰۲۰) و عامل اصلی طلاق در فرهنگ‌های مختلف دنیاست (لوپز، شاکلفورد، باس و آبد، ۲۰۲۰). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، روابط فرازناشویی به‌شدت بر روابط زوجی، بهزیستی و هویت آن‌ها به‌عنوان زن و شوهر می‌تواند تأثیرگذار باشد (بلتران موریللاس، والر سگورا و اکسپوزیت، ۲۰۱۹).

براساس آنچه ذکر شد، مطالعات درباره روابط فرازناشویی بیشتر در فرهنگ‌های غربی و فردگرا صورت گرفته است؛ بنابراین مطالعه حاضر، بررسی عوامل تعیین‌کننده روابط فرازناشویی را در یک فرهنگ جمع‌گرا بررسی کرد. همچنین از آنجا که در حیطه روابط فرازناشویی، بیشتر مراجعانی که به‌دلیل مسئله خیانت همسر (و نه خیانت خودشان) به مراکز مشاوره مراجعه می‌کنند، زنان هستند و از سوی زنان درگیر در روابط فرازناشویی به‌دلیل سرمایه‌گذاری روانی بیشتر در مایسه با مردان آسیب بیشتری می‌بینند؛ بنابراین می‌توان به تفاوت‌های جنسیتی در جست‌وجوی کمک اشاره کرد. سنین خطرناک برای ارتکاب روابط فرازناشویی در زنان ۳۵-۲۵ سالگی با میانگین ۳۰ و ۴۵ تا ۵۵ سالگی با میانگین ۵۰ است؛ زیرا بنا به نظریه لویسنسون<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) به نقل از لطف‌آبادی، (۱۳۹۸) وقتی افراد به حدود ۳۰ سالگی می‌رسند، برای اولین بار در ساختار زندگی خود تجدیدنظر می‌کنند. همچنین در انتقال میانسالی چون آن‌ها پی می‌برند زمان بیشتری را پشت سر گذاشته‌اند و زمان کمتری در پیش رو دارند، سال‌های باقی‌مانده را بسیار بارزتر می‌دانند که این دو وهله زندگی برای برخی زنان، زمینه‌ساز روابط فرازناشویی است؛ به همین دلیل جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان تشکیل دادند. با توجه به نبود مدل جامعی از روابط متغیرهای مذکور، خلأ پژوهشی در این حوزه احساس شد؛ از این‌رو تحقیق حاضر براساس مدل نظری (شکل ۱)، ضمن بررسی روابط مستقیم و غیرمستقیم، به این پرسش پاسخ داد که آیا مدل پیش‌بینی استعداد روابط فرازناشویی براساس آندروژنی روانی و خردمندی با درنظرگرفتن نقش میانجی رابطه جنسی در زنان از برازش مطلوبی برخوردار است و متغیر جهت‌گیری در روابط جنسی (مبادله‌ای/ مشارکتی) در تبیین و پیش‌بینی استعداد روابط فرازناشویی زنان نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.



شکل ۱. مدل مفهومی پیش‌بینی استعداد روابط فرازنشویی براساس نقش جنسیتی دوگانه و خردمندی با واسطه‌گری رابطه جنسی

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف بنیادی است. از لحاظ روش‌شناسی نیز توصیفی و از نوع طرح‌های همبستگی و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل همه زنان متأهل ساکن شهر ارومیه در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷ هستند. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و تخصیص ضریب ۱۵ برای هر متغیر ۸۰۰ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود؛ به این صورت که با مراجعه به مکان‌هایی از قبیل سازمان‌ها، باشگاه‌ها، کتابخانه‌های عمومی، هیئت‌های زنان، دانشگاه‌ها، ادارات دولتی و خصوصی، فرهنگسراها، کارخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز تفریحی در سطح شهر ارومیه زنان متأهل آن مراکز به صورت در دسترس انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها با رعایت موازین اخلاقی توسط افراد تکمیل شد. ملاک‌های ورود به پژوهش سکونت در شهر ارومیه، تأهل، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و داشتن حداقل ۲۵ سال بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز تمایل نداشتن به ادامه شرکت در پژوهش و نداشتن دقت کافی در تکمیل پرسشنامه‌ها بود.

## ابزار سنجش

### مقیاس استعداد روابط فرازنشویی<sup>۱</sup> (EAPS)

برای سنجش استعداد روابط فرازنشویی از پرسشنامه محقق‌ساخته ظفرقلی‌زاده، خادمی و تسبیح‌سازان مشهدی (۱۴۰۰) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ آیتم و پنج خرده‌مقیاس مشخصات خانوادگی، رسانه‌ای، سبک رفتار جنسی، ویژگی‌های شخصیتی و شناختی است. مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از نمره صفر (کاملاً مخالفم) تا نمره چهار (کاملاً موافقم) برای سنجش آیتم‌ها استفاده می‌شود، اما نمره‌گذاری سوالات ۷،

1. Extramarital Affairs Proneness Scale (EAPS)

۱۰، ۲۴، ۲۸ برحسب جهت سؤالات به صورت معکوس است؛ یعنی از نمره صفر (کاملاً موافقم) تا نمره چهار (کاملاً مخالفم). نمره کلی این پرسشنامه از جمع همه آیت‌ها به دست می‌آید که بین صفر تا ۱۲۰ است. در این مقیاس، نمره بالاتر به معنای داشتن استعداد بیشتری به روابط خارج از چارچوب زناشویی است. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی محتوایی<sup>۱</sup>، روایی سازه<sup>۲</sup> و تحلیل عاملی تأییدی<sup>۳</sup> استفاده شد. شاخص‌های برازش مدل در تحلیل عاملی تأییدی روایی این مقیاس را تأیید کردند. به منظور برآورد پایایی<sup>۴</sup> از آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی عامل اول (مشخصات خانوادگی) برابر با ۰/۸۱، عامل دوم (عامل رسانه‌ای) برابر با ۰/۷۳، عامل سوم (سبک رفتار جنسی) برابر با ۰/۶۸، عامل چهارم (ویژگی‌های شخصیتی) برابر با ۰/۷۸ و عامل پنجم (شناختی) برابر با ۰/۶۹ و پایایی کل آزمون ۰/۸۸ برآورد شد. نتایج تحلیل نشان داد پرسشنامه استعداد روابط فرازناشویی از پایایی خوبی برخوردار است (ظرف‌قلی‌زاده، خادمی و تسبیح‌سازان مشهدی، ۱۴۰۰).

### پرسشنامه نقش جنسیتی بَم (BSRI)<sup>۵</sup>

این پرسشنامه را بَم (۱۹۷۴) به منظور اندازه‌گیری سبک‌های شخصیتی مردانه، زنانه و دوجنسی (آندروژنی) در میان زنان و مردان ساخته شد که شامل ۶۰ صفت در مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (هرگز) تا نمره ۷ (همیشه) است. از این ۶۰ صفت، ۲۰ مورد مردانه، ۲۰ مورد زنانه و ۲۰ مورد خنثی هستند. موارد خنثی رفتار وابسته به جنسیت نیستند. افرادی که در این پرسشنامه از مقیاس مردانگی نمره بالا و از مقیاس زنانگی نمره پایین می‌گیرند، دارای نقش جنسیتی مردانه محسوب می‌شوند. افرادی که از مقیاس مردانه نمره پایین و از مقیاس زنانه نمره بالا می‌گیرند، نقش جنسیتی زنانه دارند. همچنین کسانی که از هر دو مقیاس مردانه و زنانه نمره بالا می‌گیرند، به عنوان دوجنسی یا آندروژنی روانی طبقه‌بندی می‌شوند. برای محاسبه نمره هر بعد ابتدا نمره‌های ۲۰ صفت یا عبارت مرتبط با آن جمع می‌شود، سپس آن نمره به ۲۰ تقسیم می‌شود؛ بنابراین در هر بعد نمره‌ای بین ۱ تا ۷ به دست می‌آید. به طور سنتی میانه ۴/۹ برای هر بعد در نظر گرفته می‌شود. اگر نمره مردانگی بالاتر از ۴/۹ و نمره زنانگی بالاتر از ۴/۹ است؛ در این صورت فرد در مقیاس بَم (۱۹۷۴) به عنوان دوجنسی طبقه‌بندی خواهد شد. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس مردانگی ۰/۸۶ و برای مقیاس زنانگی ۰/۸۲ و پایایی بازآزمایی<sup>۶</sup> برای هر یک از دو مقیاس مردانگی و زنانگی ۰/۹ به دست آمده است (بَم، ۱۹۷۴). در پژوهش حبیبی و فاطمی (۱۳۹۴) میزان پایایی براساس آلفای کرونباخ محاسبه شد و در نهایت مقیاس زنانه (۰/۷۴)، مقیاس مردانه (۰/۷۷)، و مقیاس دوجنسی (آندروژنی) (۰/۷۶) به دست آمد.

- 
1. content validity
  2. construct validity
  3. confirmatory factor analysis
  4. reliability
  5. Bem Sex Role Inventory (BSRI)
  6. test-retest reliability

ابوالقاسمی و کیامرثی (۱۳۸۵) نیز ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را  $0/۸۳$  گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز، آلفای کرونباخ در مؤلفه‌ی زنانه  $0/۷۴$  و برای مؤلفه‌ی مردانه  $0/۷۸$  به‌دست آمد.

### مقیاس سه‌بعدی خردمندی<sup>۱</sup> (3D-WS)

این پرسشنامه را آردلت (۲۰۰۳) با ۳۹ آیتم به‌منظور سنجش خرد ساخته است. در این مقیاس خرد، به‌عنوان یک متغیر نهفته با سه خرده‌مقیاس شناختی<sup>۲</sup> (۱۴ سؤال)، تأملی<sup>۳</sup> (۱۲ سؤال) و عاطفی<sup>۴</sup> (۱۳ سؤال) در نظر گرفته می‌شود. این سه بعد مستقل از یکدیگر نیستند؛ بعد تأملی (ژرف‌نگری) به‌عنوان پایه و اساس رشد دو بعد دیگر بسیار مهم است. مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً موافقم) تا نمره ۵ (کاملاً مخالفم) برای سنجش آیتم‌ها استفاده می‌شود. همچنین برای تعدادی از گویه‌ها نمره‌گذاری به‌صورت پنج‌درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً درمورد من صحیح است) تا نمره ۵ (اصلاً درمورد من صحیح نیست) در نظر گرفته می‌شود. گویه‌های شماره ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۳۰، ۳۳ و ۳۹ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. وضعیت افراد براساس امتیاز ۳۹ تا ۷۸ (خردمندی کم)، ۷۸ تا ۱۱۷ (خردمندی نه کم و نه زیاد) و نمره بالاتر از ۱۱۷ (خردمندی زیاد) است. در پژوهش آردلت (۲۰۰۳)، آلفای کرونباخ ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی در نمونه‌ی دانشجویی به‌ترتیب  $0/۷۱$ ،  $0/۷۵$  و  $0/۶۶$  و در نمونه‌ی سالمندان  $0/۷۸$ ،  $0/۷۵$  و  $0/۷۴$  به‌دست آمده است. آلفای کرونباخ مجموع سه بعد خردمندی در نمونه‌ی دانشجویی  $0/۷۲$  و در نمونه‌ی سالمندان  $0/۶۶$  بوده است (آردلت، ۲۰۰۳). با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ برای مقیاس سه‌بعدی خردمندی در پژوهش اسعدی، امیری و مولوی (۱۳۹۴) به تفکیک ابعاد شناختی  $0/۸$ ، تأملی  $0/۴۰$ ، عاطفی  $0/۶۰$  و کل  $0/۸۲$  بود. در پژوهش حاضر نیز، آلفای کرونباخ در مؤلفه‌ی شناختی  $0/۷۶$ ، مؤلفه‌ی تأملی  $0/۶۵$  و برای مؤلفه‌ی عاطفی  $0/۷۳$  به‌دست آمد که با مطالعات گزارش شده تطابق خوبی دارد.

### مقیاس رابطه جنسی<sup>۵</sup> (SRS)

این پرسشنامه را هاگز و اسنل (۱۹۹۰) با هدف سنجش دیدگاه‌های تبادلی و اشتراکی به رابطه جنسی ساخته که شامل ۲۴ آیتم در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت از نمره صفر (اصلاً توصیف من نیست) تا نمره چهار (کاملاً توصیف من است) است. از سوی دیگر عبارات ۶، ۸، ۱۰ و ۱۸ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. مقیاس رابطه جنسی دارای دو زیر مقیاس جهت‌گیری مبادله‌ای<sup>۶</sup> و جهت‌گیری مشارکتی<sup>۷</sup> است. نمره بالا در هریک از خرده‌مقیاس‌ها نشان‌دهنده میزان گرایش بیشتر فرد به آن نوع جهت‌گیری در رابطه جنسی است.

1. 3Dimensional Wisdom Scale (3D-WS)
2. cognitive
3. reflective
4. affective
5. Sexual Relationship Scale (SRS)
6. exchangenal orientation
7. communal orientation

در پژوهش هاگز و اسنل (۱۹۹۰) آلفای کرونباخ در زیرمقیاس جهت‌گیری مشارکتی در مردان ۰/۷۷، در زنان ۰/۷۹ و در کل ۰/۷۸ بود. همچنین ضرایب آلفا در زیرمقیاس جهت‌گیری مبادله‌ای در مردان ۰/۵۹، در زنان ۰/۶۷ و در کل نیز ۰/۶۷ بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد، هر دو زیرمقیاس از ثبات درونی کافی برای استفاده در تحلیل‌های پژوهشی برخوردار بودند. همچنین روایی گزارش‌شده برای دو زیرمقیاس نشان‌دهنده روایی مناسب مقیاس است (هاگز و اسنل، ۱۹۹۰). در پژوهش حیدری، زال‌پور و مولائی (۱۳۸۹) میزان پایایی از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۲ تا ۰/۹۶ به‌دست آمد. برای بررسی روایی سازه، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی آن‌ها نشان می‌دهد، این مقیاس از روایی ۰/۸۱ تا ۰/۹۰ برخوردار است. آلفای کرونباخ در تحقیق حاضر به‌ترتیب مقادیر ۰/۶۸ و ۰/۷۵ برای زیر مقیاس جهت‌گیری مشارکتی و مبادله‌ای به‌دست آمد.

### روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر محاسبه شاخص‌های توصیفی برای محاسبه شاخص‌های استنباطی با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری اقدام شد. با استفاده از نسخه ۲۲ نرم‌افزارهای SPSS و AMOS محاسبات لازم صورت گرفت و برای مدل پیشنهادی شاخص‌های برازش و ضرایب مسیر استخراج شد.

### یافته‌ها

#### الف) توصیف جمعیت‌شناختی

۸۰۰ نفر از زنان متأهل ساکن شهر ارومیه در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷ در این پژوهش شرکت کردند. ۱۱/۵۰ درصد از شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۷/۶۳ درصد دیپلم، ۸/۳۷ درصد کاردانی، ۴۰/۶۳ درصد کارشناسی، ۱۰/۷۵ درصد کارشناسی ارشد و ۱/۱۲ درصد دکتری بودند. سن ۳۰/۳۸ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال، ۴۶/۵۰ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۶/۷۵ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال و ۶/۳۷ درصد بالای ۵۱ سال بودند. فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی به اختصار در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. متغیرهای جمعیت‌شناختی زنان متأهل

متغیرها	فراوانی	درصد
مدت ازدواج		
بین ۵ تا ۱۰ سال	۲۸۴	۳۵/۵۰
بین ۱۱ تا ۱۵ سال	۲۹۹	۳۷/۳۷
بین ۱۶ تا ۲۰ سال	۹۴	۱۱/۷۵
بین ۲۱ تا ۲۵ سال	۸۹	۱۱/۱۳
بیشتر از ۲۶ سال	۳۴	۴/۲۵
وضعیت شغلی		
بیکار	۳۰۱	۳۷/۶۳
شاغل	۴۹۹	۶۲/۳۷

**ب) شاخص‌های توصیفی**

در جدول ۲، شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی ارائه شده‌اند. برای بررسی نرمال بودن تک‌متغیری یک معیار کلی توصیه می‌کند که چنانچه چولگی و کشیدگی در بازه ۱، ۱- نباشد، داده‌ها توزیع نرمال ندارند (کریمی، ۱۳۹۴).

**جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش**

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
نقش جنسیتی دوگانه	۴/۱۶	۱/۱۱	۰/۲۸۱	-۰/۵۸۵
خردمندی	۲/۷۳	۰/۸۱	۰/۵۹۲	۰/۳۸۰
جهت‌گیری مشارکتی	۲/۰۶	۰/۸۹	۰/۱۴۶	-۰/۳۳۴
جهت‌گیری مبادله‌ای	۱/۷۴	۰/۹۱	-۰/۰۹۴	-۰/۶۶۳
استعداد روابط فرازناشویی	۲/۰۴	۰/۶۹	-۰/۰۹۷	۰/۶۳۶

با توجه به جدول ۲، قدر مطلق چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها کمتر از ۱ است؛ بنابراین مفروضه نرمال بودن متغیرها برقرار است. در جدول ۳ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

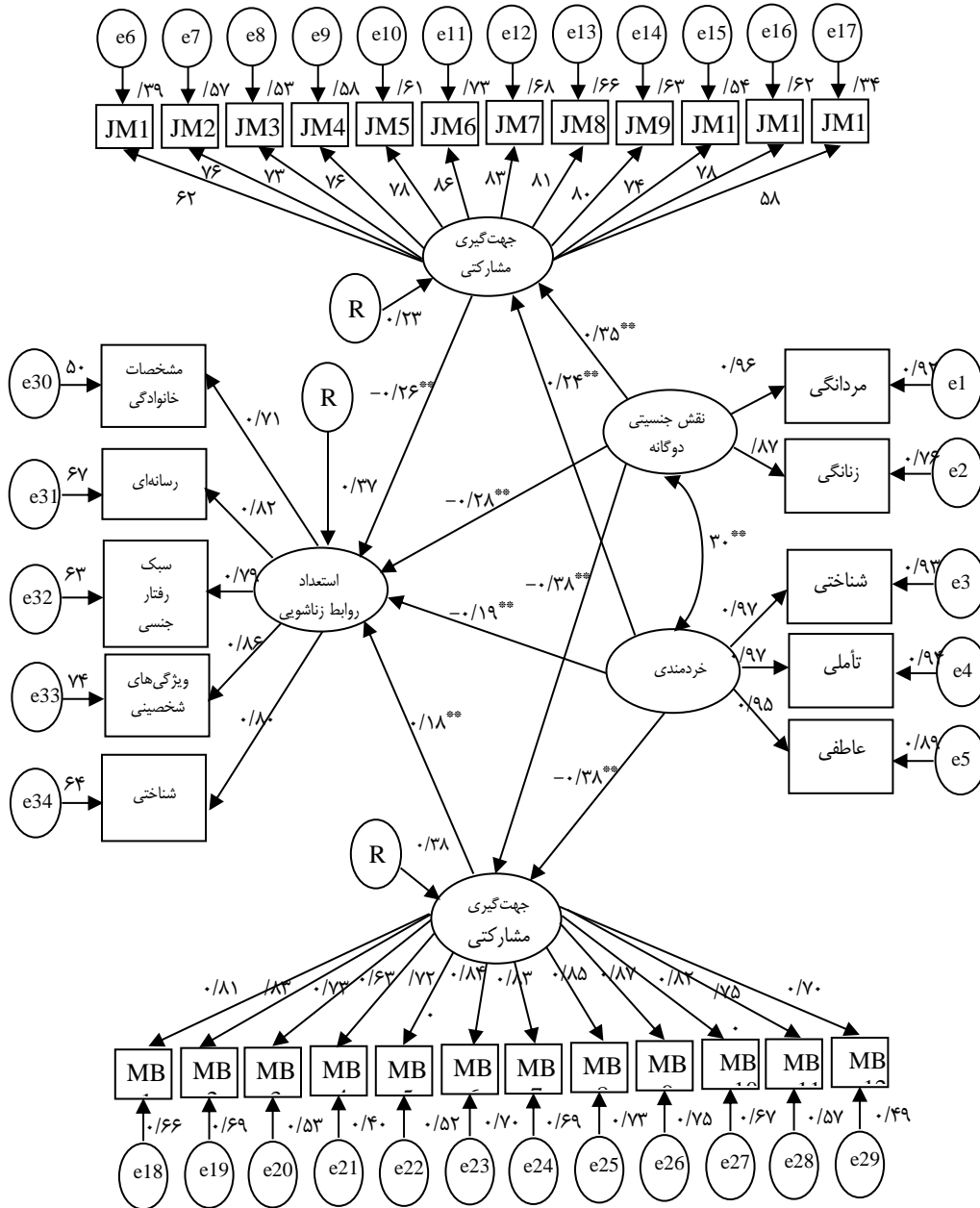
**جدول ۳. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش**

متغیرها	نقش جنسیتی دوگانه	خردمندی	جهت‌گیری مشارکتی	جهت‌گیری مبادله‌ای	استعداد روابط فرازناشویی
نقش جنسیتی دوگانه	۱				
خردمندی	۰/۲۸**	۱			
جهت‌گیری مشارکتی	۰/۳۹**	-۰/۳۳**	۱		
جهت‌گیری مبادله‌ای	-۰/۴۶**	-۰/۴۷**	-۰/۴۶**	۱	
استعداد روابط فرازناشویی	-۰/۴۵**	-۰/۳۳**	-۰/۴۶**	۰/۴۵**	۱

\*\* $P < 0/01$ 

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین همه متغیرهای مطالعه حاضر به صورت دو به دو رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی نقش جنسیتی دوگانه با خردمندی ( $r=0/28$ ) و جهت‌گیری مشارکتی ( $r=0/39$ ) در سطح  $0/01$  مثبت و معنادار است. ضریب همبستگی نقش جنسیتی دوگانه با جهت‌گیری مبادله‌ای ( $r=-0/46$ ) و استعداد روابط فرازناشویی ( $r=-0/45$ ) در سطح  $0/01$  منفی و معنادار است. ضریب همبستگی خردمندی و جهت‌گیری مشارکتی ( $r=0/33$ ) در سطح  $0/01$  مثبت و معنادار است. ضریب همبستگی خردمندی با جهت‌گیری مبادله‌ای ( $r=-0/47$ ) و استعداد روابط فرازناشویی ( $r=-0/33$ ) در سطح  $0/01$  منفی و معنادار است. ضریب همبستگی جهت‌گیری مشارکتی با جهت‌گیری مبادله‌ای ( $r=-0/46$ ) و استعداد روابط فرازناشویی ( $r=-0/46$ ) در سطح  $0/01$  منفی و معنادار است. ضریب همبستگی جهت‌گیری مبادله‌ای و استعداد روابط فرازناشویی ( $r=0/45$ ) در سطح  $0/01$  مثبت و معنادار است.

ج) آزمون مدل ساختاری



شکل ۲. مدل اصلاح‌شده پیش‌بینی استعداد روابط فرازناشویی براساس نقش دوجنسیتی دوگانه و خردمندی با در نظر گرفتن نقش میانجی رابطه جنسی

در شکل ۲، مدل آزمون شده برای فرضیه‌های پژوهش همراه با مقادیر استاندارد شده روی هر کدام از مسیرها درج شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تأثیر نقش جنسیتی دوگانه بر جهت‌گیری مشارکتی مثبت و معنادار و بر جهت‌گیری مبادله‌ای و استعداد روابط فرازناشویی منفی و معنادار است. تأثیر خردمندی بر جهت‌گیری مشارکتی مثبت و معنادار و بر جهت‌گیری مبادله‌ای و استعداد روابط فرازناشویی منفی و معنادار است. تأثیر جهت‌گیری مشارکتی بر استعداد روابط فرازناشویی منفی و معنادار است. تأثیر جهت‌گیری مبادله‌ای بر استعداد روابط فرازناشویی مثبت و معنادار است. با توجه به این شکل، ۲۳ درصد واریانس جهت‌گیری مشارکتی و ۳۸ درصد واریانس جهت‌گیری مبادله‌ای به کمک مدل پژوهش تبیین می‌شود. در نهایت همه متغیرهای پیش‌بین استعداد روابط فرازناشویی، ۳۷ درصد از واریانس استعداد روابط فرازناشویی را تبیین می‌کنند. همچنین در جدول ۴ ضرایب تأثیرات مستقیم، آماره  $t$  و سطح معناداری متغیرهای تحقیق گزارش شده است.

#### جدول ۴. نتایج مربوط به تأثیرات مستقیم مدل آزمون شده پژوهش بر استعداد روابط فرازناشویی

مسیرها	ضریب مسیر	خطای استاندارد	آماره $t$	سطح معناداری
به روی استعداد روابط فرازناشویی از:				
جهت‌گیری مشارکتی	۰/۲۶**	۰/۰۴۳	-۵/۰۶۵	۰/۰۰۱
جهت‌گیری مبادله‌ای	۰/۱۸**	۰/۰۴۴	۳/۲۶۳	۰/۰۰۱
نقش جنسیتی دوگانه	-۰/۲۸**	۰/۰۲۹	-۵/۱۹۵	۰/۰۰۱
خردمندی	-۰/۱۹**	۰/۰۴	-۳/۲۸۰	۰/۰۰۱

بر اساس جدول ۴، با توجه به ضریب مسیر (۰/۲۶-) و همچنین آماره  $t$  به مقدار ۵/۰۶۵- می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد جهت‌گیری مشارکتی بر استعداد روابط فرازناشویی تأثیر منفی و معناداری دارد. با توجه به ضریب مسیر (۰/۱۸) و همچنین آماره  $t$  به مقدار ۳/۲۶۳ می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد جهت‌گیری مبادله‌ای بر استعداد روابط فرازناشویی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با توجه به ضریب مسیر (۰/۲۸-) و همچنین آماره  $t$  به مقدار ۵/۱۹۵- می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد نقش جنسیتی دوگانه بر استعداد روابط فرازناشویی تأثیر منفی و معناداری دارد. با توجه به ضریب مسیر (۰/۱۹-) و همچنین آماره  $t$  به مقدار (۳/۲۸۰-) می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد خردمندی بر استعداد روابط فرازناشویی تأثیر منفی و معناداری دارد.



**جدول ۵. نتایج مربوط به تأثیرات مستقیم مدل آزمون شده پژوهش بر جهت‌گیری مشارکتی**

مسیرها	ضریب مسیر	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
به روی جهت‌گیری مشارکتی از:				
نقش جنسیتی دوگانه	۰/۳۵**	۰/۰۳۳	۶/۷۰۳	۰/۰۰۱
خردمندی	۰/۲۴**	۰/۰۴۶	۵/۱۰۹	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، با توجه به ضریب مسیر (۰/۳۵) و همچنین آماره t به مقدار ۶/۷۰۳ می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد نقش جنسیتی دوگانه بر جهت‌گیری مشارکتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با توجه به ضریب مسیر (۰/۲۴) و همچنین آماره t به مقدار ۵/۱۰۹ می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد خردمندی بر جهت‌گیری مشارکتی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

**جدول ۶. نتایج مربوط به تأثیرات مستقیم مدل آزمون شده پژوهش بر جهت‌گیری مبادله‌ای**

مسیرها	ضریب مسیر	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
به روی جهت‌گیری مبادله‌ای از:				
نقش جنسیتی دوگانه	-۰/۳۸**	۰/۰۳۱	-۷/۹۷۳	۰/۰۰۱
خردمندی	-۰/۳۸**	۰/۰۴۵	-۸/۴۴۹	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، با توجه به ضریب مسیر (-۰/۳۸) و همچنین آماره t به مقدار -۷/۹۷۳ می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد نقش جنسیتی دوگانه بر جهت‌گیری مبادله‌ای تأثیر منفی و معناداری دارد. با توجه به ضریب مسیر (-۰/۳۸) و همچنین آماره t به مقدار -۸/۴۴۹ می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد خردمندی بر جهت‌گیری مبادله‌ای تأثیر منفی و معناداری دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های معادلات ساختاری بررسی تأثیرات غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر است. جدول ۷ نتایج تأثیرات غیرمستقیم و میانجی را نشان می‌دهد.

**جدول ۷. ضرایب مسیرهای غیرمستقیم برای مدل اصلاح‌شده**

پیش‌بین	میانجی	ملاک	ضریب مسیر	خطای استاندارد	t آماره	سطح معناداری
نقش جنسیتی دوگانه	جهت‌گیری مشارکتی	استعداد فرازناشویی	-۰/۰۹**	۰/۰۵۴	-۴/۰۴۱	۰/۰۰۱
نقش جنسیتی دوگانه	جهت‌گیری مبادله‌ای	استعداد فرازناشویی	-۰/۰۷**	۰/۰۴۹	-۳/۰۱۹	۰/۰۰۱
خردمندی	جهت‌گیری مشارکتی	استعداد فرازناشویی	-۰/۰۶**	۰/۰۵۷	-۳/۵۹۷	۰/۰۰۱
خردمندی	جهت‌گیری مبادله‌ای	استعداد فرازناشویی	-۰/۰۷**	۰/۰۵۳	-۳/۰۴۴	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، با توجه به ضریب مسیر (۰/۰۹-) و همچنین آماره t به مقدار ۴/۰۴۱- می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد جهت‌گیری مشارکی در ارتباط میان نقش جنسیتی دوگانه و استعداد روابط فرازناشویی نقش میانجی منفی و معناداری دارد. با توجه به ضریب مسیر (۰/۰۷-) و همچنین آماره t به مقدار ۳/۰۱۹- می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد جهت‌گیری مبادله‌ای در ارتباط بین نقش جنسیتی دوگانه و استعداد روابط فرازناشویی نقش میانجی منفی و معناداری دارد. با توجه به ضریب مسیر (۰/۰۶-) و همچنین آماره t به مقدار ۳/۵۹۷- می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد جهت‌گیری مشارکتی در ارتباط میان خردمندی و استعداد روابط فرازناشویی نقش میانجی منفی و معناداری دارد. با توجه به ضریب مسیر (۰/۰۷-) و همچنین آماره t به مقدار ۳/۰۴۴- می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد جهت‌گیری مبادله‌ای در ارتباط میان خردمندی و استعداد روابط فرازناشویی نقش میانجی منفی و معناداری دارد.

### برازش مدل آزمون شده پژوهش

در این پژوهش شاخص نیکویی برازش<sup>۱</sup> (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته<sup>۲</sup> (AGFI) و ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده استاندارد شده<sup>۳</sup> (SRMR) به‌عنوان شاخص‌های برازش مطلق، شاخص برازش تطبیقی<sup>۴</sup> (CFI)، شاخص برازش هنجار شده<sup>۵</sup> (NFI) و شاخص برازش هنجار نشده<sup>۶</sup> (NNFI) به‌عنوان شاخص‌های برازش تطبیقی و مجذور خی بر درجه آزادی (χ<sup>۲</sup>/df)، شاخص برازش هنجار شده مقتصد<sup>۷</sup> (PNFI) و ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد<sup>۸</sup> (RMSEA) به‌عنوان شاخص‌های برازش تعدیل‌یافته در نظر گرفته شده‌اند. در جدول ۵، این شاخص‌ها به تفکیک گزارش شده‌اند.

در جدول ۸، مقادیر به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر و حد قابل‌پذیرش هر یک از شاخص‌های برازش گزارش شده‌اند. با توجه به نتایج جدول می‌توان گفت، شاخص‌های برازش به‌دست‌آمده همگی در سطح مناسبی هستند و داده‌های این پژوهش با ساختار عاملی این مدل برازش مناسبی دارد.

- 
1. goodness of fit index
  2. adjusted goodness of fit index
  3. standardized root mean square residual
  4. comparative fit index
  5. normed fit index
  6. non-normalized fit index
  7. parsimonious normed fit index
  8. root mean square error of approximation

## جدول ۸. شاخص‌های نیکویی برازش الگوی آزمون شده پژوهش

شاخص‌های برازش مطلق			
SRMR	AGFI	GFI	شاخص
۰/۰۴۱	۰/۹۱	۰/۹۳	مقدار به‌دست‌آمده
کمتر از ۰/۰۵	بیشتر از ۰/۸۰	بیشتر از ۰/۹۰	حد قابل‌پذیرش
شاخص‌های برازش تطبیقی			
NNFI	NFI	CFI	شاخص
۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۸	مقدار به‌دست‌آمده
بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	حد قابل‌پذیرش
شاخص‌های برازش تعدیل‌یافته			
RMSEA	PNFI	$\chi^2/df$	شاخص
۰/۰۶۴	۰/۷۳	۲/۸۸	مقدار به‌دست‌آمده
کمتر از ۰/۰۸	بیشتر از ۰/۶۰	کمتر از ۳	حد قابل‌پذیرش

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش آزمون مدل پیش‌بینی استعداد روابط فرازناشویی براساس نقش جنسیتی دوگانه (آندروژنی روانی) و خردمندی با در نظر گرفتن نقش میانجی رابطه جنسی در زنان متأهل با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری بوده است. براساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های پژوهش می‌توان بیان کرد که در مجموع مدل پیش‌بینی استعداد روابط فرازناشویی در پژوهش حاضر، در جهت تبیین و برازش از وضعیت مناسبی برخوردار بود و می‌توان گفت سؤال پژوهش مبنی بر برازش مدل پیش‌بینی استعداد روابط فرازناشویی تأیید شده است. متغیرهای نقش جنسیتی دوگانه (آندروژنی روانی) و خردمندی در نقش متغیرهای برون‌زاد و متغیر رابطه جنسی در نقش متغیر واسطه‌ای بر استعداد روابط فرازناشویی به‌عنوان متغیر درون‌زاد اثر مستقیم و غیرمستقیم داشتند که از لحاظ آماری معنادار بودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین نقش جنسیتی دوگانه (آندروژنی) و استعداد روابط فرازناشویی اثر مستقیم و منفی (معکوس) معناداری وجود داشت؛ بدین معنا که هرچه ویژگی شخصیتی دوجنسیتی (داشتن ویژگی‌های شخصیتی زنانه و مردانه با هم) در زنی بیشتر باشد، تمایل کمتری به روابط فرازناشویی دارد که این یافته همسو با پژوهش‌های فلورس (۲۰۲۰)، ماتود و همکاران (۲۰۲۰)، وادل، وان دورن، مارچ و گریو (۲۰۲۰)، گویی (۲۰۱۹) و محسن‌زاده، نظری و عارفی (۱۳۹۰) بود. نتایج حاضر را می‌توان در چارچوب نظریه‌ی بم (۱۹۸۱) این چنین تبیین کرد که براساس نظریه‌ی افرادی که الگوهای جنسیتی را به شیوه‌ای منفی آموخته‌اند، در رابطه با همسرشان از مشکلات روحی و روانی رنج می‌برند و همیشه خیانت را تنها گزینه در نظر می‌گیرند. همچنین آندروژنی یا دوجنسیتی روانی در

نظریهٔ بِن (۱۹۷۴) (به نقل از وودهیل و سامولز، ۲۰۰۴) به عنوان «هویت جنسی متعادل»<sup>۱</sup> با امتیازات ویژه ارائه شده و با مفهوم خودشکوفایی<sup>۲</sup> مزلو (۱۹۵۰) به عنوان یکی از جدیدترین نظریه‌های روان‌شناسی قابل انطباق است؛ زیرا افراد دوجنسیتی روانی مانند افراد خودشکوفایی می‌توانند بهترین باشند؛ یعنی از قیود رفتار جنسیتی آزادند و توانایی انجام رفتارهای زنانه و مردانه را دارند، انعطاف‌پذیر هستند، در موقعیت‌های گوناگون به اشکال متفاوتی رفتار می‌کنند و وظایف و رفتارهای جنس مخالف را در مواقع لزوم انجام می‌دهند؛ برای مثال در یک موقعیت حساس و صبور و در موقعیت دیگر ماجراجو و اهل خطرکردن هستند. امروزه به جامعه‌پذیری دوجنسیتی توجه می‌شود؛ یعنی تفکیک نقش‌های جنسیتی وجود ندارد و هر فردی چه دختری و چه پسر می‌تواند دارای نقش‌های زنانه یا مردانه باشد و توازن مثبتی از صفات مردانه یا زنانه را به دست آورند. یک شخص «آندروژن یا دوجنسیتی» در حیطهٔ گسترده‌ای از وظایف بدون در نظر گرفتن جنسیت خاصی که دارد صاحب ویژگی‌های مثبت است (شافر و کیپ، ۲۰۱۳). بارون و برن<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) به نقل از علی‌اکبری دهکردی، (۱۳۹۶) با توجه به پژوهش‌های مختلف طرفداران نظریهٔ دوجنسیتی (آندروژنی روانی) خلاصه‌ای از ویژگی‌های افراد دوجنسیت‌نما را به ترتیب زیر مطرح کردند: بالابودن اعتمادبه‌نفس (سیاستین و واله، ۱۹۸۸)، دوست‌داشتنی بودن (هاید، ۱۹۹۶)، سازگاری با شرایط مختلف (گارسیا، ۱۹۸۲)، شادمان بودن، استفاده از روش‌های مقابله‌ای مثبت، عمر طولانی و رضایت بیشتر از زندگی (شیموناکا، ناکازاتو و هومان، ۱۹۹۰). همچنین زنان دوجنسیتی (آندروژن)، سازگاری زناشویی و سلامت روان بیشتری دارند (ابوالقاسمی و کیامرثی، ۱۳۸۵). در تبیین این یافته از پژوهش می‌توان اذعان داشت که مردان و زنان نسبت به مسائل جنسی به گونه‌ای متفاوت اجتماعی می‌شوند. مردان ترغیب می‌شوند از سنین جوانی به لحاظ جنسی آزاد و بی‌پروا و زنان مهار شده و انحصاری باشند. خانواده‌ها باید بدانند، نقش‌های جنسیتی نقش مهمی در استعداد روابط فرازنشویی دارند؛ به طوری که نقش جنسیتی مردانگی می‌تواند رابطهٔ جنسی و خیانت را پیش‌بینی کند. براساس تحقیق امیدون (۲۰۰۷)، نقش جنسیتی مردانگی با مکانسیم دفاعی سرکوب رابطه‌ای مثبت دارد و استفاده از مکانسیم دفاعی سرکوب با تجربهٔ بالاتری از بی‌وفایی و خیانت مرتبط است. همچنین بسیاری از پژوهش‌ها از جمله پژوهش‌های مک‌گال و استراتز (۱۹۹۴)، ویل کو (۱۹۹۸) و تایلور و هال (۱۹۸۲) بر دوجنسیتی روانی در تأمین بهداشت روانی، سازگاری هرچه بهتر در روابط بین‌فردی، عزت‌نفس، خشنودی استفاده از روش‌های مقابله‌ای مثبت و سازگاری با شرایط مختلف تأکید کرده‌اند؛ بنابراین چنین زنانی زمانی که در زندگی واقعی خود با همسرشان در برخی زمینه‌ها دچار تعارض می‌شوند، به حل منطقی تعارض ایجاد شده می‌پردازند و به شیوه‌های غیرمنطقی مانند رو آوردن به شخص سوم از رابطهٔ زناشویی متوسل نمی‌شوند. دوجنسیتی بودن زنان سبب می‌شود که دارای برخی صفاتی باشند که به طور کلیشه‌ای مردانه تلقی می‌شود؛ مانند استقلال، اعتمادبه‌نفس و جرئت‌ورزی و این ویژگی‌ها سبب می‌شود، دربارهٔ روابط

---

1. balanced identity

2. self-actualization

3 Baron & Byron

جنسی با همسرشان آزادانه‌تر و بدون بازداری و شرم صحبت کرده و نیازهای خود را ابراز کنند و از رابطه جنسی لذت ببرند و مانند کلیشه‌های جنسیتی زنانه، خود را تنها موجودی جهت ارضای نیاز همسر خود تلقی نکنند که این مسئله پتانسیل درگیر شدن آن‌ها در روابط فرازنشویی را کاهش می‌دهد.

همچنین نتایج حاصل‌شده درباره رابطه منفی و مستقیم خردمندی با استعداد روابط فرازنشویی با یافته‌های تحقیقات شاهین و همکاران (۲۰۲۰)، سگامی و وان ادن (۲۰۲۰)، مک‌آیستر و همکاران (۲۰۲۰) مطابقت داشت. این پژوهش‌ها با استدلال پاراگمنت و ماهونی (۲۰۰۵) هماهنگ است؛ زیرا افرادی که زمان و انرژی زیادی را در اجرای امور معنوی سرمایه‌گذاری می‌کنند، رابطه زنشویی را در بعد معنوی درک می‌کنند و کسانی که رابطه‌شان را مقدس و معنوی درک می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که آن را حفظ کنند و در نتیجه این افراد به احتمال کمتری درگیر روابط فرازنشویی می‌شوند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، خردمندی موجب رشد خودآگاهی می‌شود و رشد خودآگاهی به فرد کمک می‌کند تا احساسات و رفتار خود را کنترل کند (پراتسچر، رز، مارکوویتز و بتنکورت، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش ساری، تندک و میت اگن (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که خودکنترلی می‌تواند یک تعدیل‌کننده در رابطه میان میل جنسی و روابط جنسی (مقاربت) باشد. گراسمن، گرلاخ و دنیسن (۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند، افرادی که در زندگی روزمره از استدلال خردمندانه استفاده می‌کنند، هیجانات مثبت‌تر (در مقابل منفی)، واکنش‌پذیری هیجانی کمتر، سرکوب کمتر افکار، ارزیابی مجدد و بخشش بیشتری دارند. فیلسوفان و دانشمندان روان‌شناسی نتیجه گرفتند که خرد شامل جنبه‌های خاصی از تفکر از جمله تواضع فکری<sup>۱</sup>، شناسایی عدم قطعیت و تغییر، دیدگاه‌گیری<sup>۲</sup>، توجه به تغییر و راه‌حل‌های جایگزینی، در جست‌وجوی سازش<sup>۳</sup>، در نظر گرفتن دیدگاه‌های مختلف و یکپارچه‌سازی این دیدگاه‌ها و کاربرد دانش در چالش‌های زندگی است (وانگ و وی، ۲۰۲۰). در تبیین این یافته می‌توان چنین استنباط کرد که افراد خردمند مهارت‌های فردی و بین‌فردی خوبی دارند و از توانایی سازگاری بالاتری برخوردار هستند. افراد خردمند هنگام برقراری روابط با همسر خود اصول اخلاقی را مبنای رفتارهای خود قرار می‌دهند و در ارتباط با آن‌ها از اصولی مانند هوشیاری، توجه، احترام، انصاف، مهربانی و صبر استفاده می‌کنند که این امر سبب برقراری رابطه صمیمی و مستحکم بین زوجین می‌شود؛ در نتیجه چنین افرادی هنگام مواجهه با رویدادها و چالش‌های زنشویی از راه‌کارها و راهبردهای مناسب استفاده می‌کنند که این امر سبب کاهش روابط فرازنشویی می‌شود. همچنین بین خرد و معنویت رابطه مثبتی وجود دارد. فرد به کمک معنویت می‌تواند از خودمحوری بیرون بیاید و میان‌واگرا شود، احساس پیوند و نوع‌دوستی داشته باشد، هدفمند و شفقت‌ورز باشد و به او کمک می‌کند تا مسئولیت اعمال خود را در تعارض‌ها بپذیرد. در حوزه الگوی ارتباطی زوجین، هرچه افراد به تکامل معنوی بیشتری رسیده باشند و از لحاظ سلامت معنوی بالاتر باشند، در ایجاد مهارت‌های ارتباطی سالم موفق‌تر هستند؛ بنابراین تأثیرپذیری

- 
1. intellectual humility
  2. perspective taking
  3. search for a compromise

مثبت ارتباط زناشویی از افزایش معنویت امری پیش‌بینی‌پذیر است. همچنین افزایش خردمندی به فرد کمک می‌کند تا مهارت‌های خودکنترلی را کسب کند؛ زیرا رشد خودآگاهی به فرد کمک می‌کند تا کنترلش به شرایط بیشتر شود. به عبارتی خودآگاهی با کنترل غیرارادی رابطه دارد. در واقع خودکنترلی نوعی مدیریت بر خویشتن است که فرد با تقویت آن می‌تواند خواسته‌های آنی را مهار کند که این امر سبب افزایش مقاومت در برابر تمایلات و نیازها و کاهش تمایل به رفتارهای پرخطر جنسی می‌شود. علاوه بر آن افراد را در پایبندی به اصول اخلاقی در چارچوب قوانین همسری متعهد می‌کند و پیروی از این اصول سبب کاهش برقراری روابط فرازنشویی می‌شود.

براساس نتایج مطالعه حاضر، جهت‌گیری مشارکتی به‌طور منفی استعداد روابط فرازنشویی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با یافته‌های تحقیقات استافورد (۲۰۲۰)، تیرون و کاتز (۲۰۲۰)، مویس، برگرون، ایمپت و روزن (۲۰۱۷)، دی و همکاران (۲۰۱۵) و روزن، مویس، برگران، دیلاس و بکستر (۲۰۱۵) مطابقت دارد. یافته‌های پژوهش استافورد (۲۰۲۰) نشان می‌دهد، جهت‌گیری مشارکتی به‌طور مثبت رفتارهای نگهداری رابطه زوجی را پیش‌بینی می‌کند. تیرون و کاتز (۲۰۲۰) در پژوهش خود دریافتند، بین جهت‌گیری مشارکتی و رابطه و عملکرد جنسی به‌ویژه برای شریک‌های زندگی، رابطه مثبت وجود دارد. مویس و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود دریافتند، در روزهایی که زنان جهت‌گیری مشارکتی بالاتری را گزارش می‌کنند، هم آن‌ها و هم شریک زندگی‌شان رضایت ارتباطی بیشتری را گزارش می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان اذعان داشت، زوج‌هایی با جهت‌گیری مشارکتی می‌توانند میل و رضایت جنسی را در روابطشان با گذشت زمان حفظ و نگهداری کنند. این‌گونه افراد در مقابل نیازهای جنسی همسر خود پاسخ‌گو هستند و قادرند توافق نداشتن‌ها بر سر رابطه جنسی را به‌نحوی هدایت کنند که کیفیت رابطه هر دو شریک زندگی نگهداری شود؛ بنابراین اگر زوجین روابط جنسی خوب و صمیمی داشته باشند، هم به استحکام زندگی مشترکشان کمک می‌کنند و هم رابطه عاطفی میان آن‌ها تقویت می‌شود. در واقع یک رابطه عاطفی خوب، مقدمه یک رابطه جنسی خوب است و یک رابطه جنسی خوب تقویت‌کننده رابطه عاطفی زوجین است؛ بنابراین جهت‌گیری مشارکتی در رابطه جنسی با فراهم‌کردن احساسات مثبت به همسر، تجارب هیجانی مثبت و رضایت جنسی، رضایت ارتباطی و رضایت زناشویی به کاهش بسیاری از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی مثل روابط فرازنشویی منجر می‌شود.

همچنین براساس نتایج مطالعه حاضر، جهت‌گیری مبادله‌ای به‌طور مثبتی استعداد روابط فرازنشویی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با نتایج تحقیقات جارویس، مک‌کلور و بلگر (۲۰۱۹)، براون، ره‌ر، واگنر و کونزمان (۲۰۱۸) مطابقت دارد. جارویس، مک‌کلور و بلگر (۲۰۱۹) بیان می‌کنند، این جهت‌گیری با میزان تعارض زوجها مرتبط است. آن‌ها دریافتند، شرکایی با جهت‌گیری مبادله‌ای بیشتر صمیمیت کمتری را با شریک زندگی خود در روزهای تعارض در مقایسه با روزهای بدون تعارض نشان می‌دهند. این تأثیر برای شرکایی که در جهت‌گیری مبادله‌ای پایین‌تر بودند، کمتر است. همچنین آن‌ها نتیجه گرفتند نظارت دقیق هزینه‌ها و منافع در یک رابطه که ویژگی شرکای دارای جهت‌گیری مبادله‌ای بالا است، ممکن است به

تعارض‌های ساده‌ روزانه به ضرر ارزیابی‌های رابطه منجر شود؛ بنابراین جهت‌گیری مبادله‌ای تأثیر منفی تعارض‌های زناشویی بر صمیمیت را افزایش می‌دهد. براون و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود دریافتند، هرچه روابط مبتنی بر مقابله‌به‌مثل و جهت‌گیری تبادلی در زوجین افزایش یابد، میزان رضایت ارتباطی زوجین کاهش می‌یابد. همچنین روابط مبتنی بر مقابله‌به‌مثل در طول زمان کاهش پیدا می‌کند و در زوجین مسن‌تر، کمتر است. افرادی که دیدگاه آن‌ها دربارهٔ روابط جنسی براساس جهت‌گیری مبادله‌ای است، نه تنها احساس مسئولیت خاصی در مقابل رضایت و تأمین جنسی همسر خود ندارند، بلکه آن‌ها زمانی وارد روابط جنسی می‌شوند که خود از آن بهره ببرند یا انتظار مقابله‌به‌مثل در آینده داشته باشند. در جهت‌گیری مبادله‌ای منافع با انتظار مبادلهٔ یکسان داده می‌شوند (مویس و ایمپت، ۲۰۱۶). باربارو، فام و شاکلفورد (۲۰۱۵) تمایلات شدید جنسی را در گرایش زنان متأهل به روابط فرازناشویی مؤثر دانستند. گویتز میدان (۲۰۱۷) بیان می‌کنند، انگیزه‌های اصلی شرکای خودشیفته برای درگیرشدن در روابط جنسی، صمیمیت هنگام مقاربت و خودتأییدگری است. از دیدگاه نظری، افراد خودشیفته توسط نیازهای خودخواهانه کنترل می‌شوند (اسزابو و جونز، ۲۰۱۹). یافته‌های پژوهش بروئر، هانت، جیمز و ابل (۲۰۱۵) نیز حاکی از آن است که ویژگی خودشیفتگی در زنان تنها پیش‌بینی‌کنندهٔ رفتارهای خیانت در صفات تاریک شخصیتی می‌باشد. در تبیین این نتایج می‌توان به دیدگاه هاریس (۲۰۰۳) اشاره کرد. او معتقد بود زنان، نارضایتی از روابط جنسی را دلیل اصلی روابط فرازناشویی می‌دانند؛ در صورتی که مردان، جاذبه‌های جنسی را دلیل اصلی روابط فرازناشویی اظهار کرده‌اند. او همچنین می‌گوید، بی‌توجهی همسران به یکدیگر، دلیل اصلی برقراری روابط فرازناشویی است. نداشتن هیچ‌گونه تازگی در زندگی مشترک نیز یکی از جنبه‌های بی‌توجهی به همسر است. زندگی مشترک اگر با وجوه زاینده و نو همراه نباشد، به تدریج برای دو همسر خسته‌کننده می‌شود (آنکینز، باکام و جکوبسون، ۲۰۰۱). انگیزهٔ مهم زن و مرد متأهلی که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شود، تنوع جنسی و عاطفی است (امامی، نوری، مهدوی، ۲۰۱۸)؛ بنابراین مطابق تحقیقات گذشته و نظریه‌ها، نارضایتی جنسی هم می‌تواند از عوامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی باشد. می‌توان گفت افرادی با جهت‌گیری مبادله‌ای در رابطهٔ جنسی، تعارض‌های زناشویی بیشتر، رضایت ارتباطی و صمیمیت زناشویی کمتری دارند. حد بالای مشکلات ارتباطی، داشتن روابط فرازناشویی است. همچنین صمیمیت زناشویی ارتباط تنگاتنگی با روابط فرازناشویی خواهد داشت؛ چراکه ارضانشدن صمیمیت می‌تواند افزایش تعارض‌ها، کاهش رضایت زناشویی و متعاقب آن بستر ارتکاب به روابط فرازناشویی را به دنبال داشته باشد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، متغیرهای دوجنسی‌تی روانی (آندروژنی روانی) و خردمندی از طریق رابطهٔ جنسی توانستند، استعداد روابط فرازناشویی را پیش‌بینی کنند. این نتایج همسو با پژوهش‌های لای و فونگ (۲۰۱۹)، لی و همکاران (۲۰۱۸) و کیم، مویس و ایمپت (۲۰۱۸) است. می‌توان گفت یکی از مسائل مهم زندگی زناشویی، رابطهٔ جنسی است که در سازگاری زندگی زناشویی و استحکام خانواده نقشی تعیین‌کننده دارد. همان‌طور که ذکر شد، جهت‌گیری در روابط جنسی می‌تواند مبادله‌ای یا مشارکتی باشد. جهت‌گیری مشارکتی، برقراری رابطه براساس توجه و علاقه‌مندی به رفاه و بهزیستی شریک زندگی تعریف

شده است. افرادی با جهت‌گیری مشارکتی از کمک‌کردن به طرف مقابل برای ارضای نیازها لذت می‌برند؛ زیرا پی می‌برند که صحت حس خودشان را اثبات می‌کنند که سبب افزایش بهزیستی فردی خودشان می‌شوند (لی و همکاران، ۲۰۱۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهد، افراد دوجنسیتی (آندروژن‌ها) بهداشت روانی و ویژگی‌های شخصیتی بهتری دارند، نرمش‌پذیرند و در کنش‌های مردانه روشی مردانه و در کارهای زنانه شیوه‌ای زنانه به‌کار می‌گیرند (جیمز، ۲۰۲۰). در نظریه تعادلی استرنبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، خردمندی برای متعادل کردن منافع درون‌فردی، بین‌فردی و فرافردی به‌کار می‌رود و از این طریق برای دستیابی به منافع مشترک (خیر مشترک) کمک می‌کند (جسته و همکاران، ۲۰۲۰). فیلسوفان و دانشمندان علوم رفتاری، خرد را به‌عنوان استدلال بی‌طرفانه‌ای می‌دانند که فرد را به سمت تعادل نیازهایش هدایت کرده و زندگی خوبی را ترویج می‌کند (برینزا و همکاران، ۲۰۱۸)؛ بنابراین افراد دوجنسیتی (آندروژن) و خردمند به‌دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی مانند تعهد، برعهده‌گرفتن مسئولیت در مایسه با رفتارها، لحاظ‌کردن ارزش‌های مثبت اخلاقی در تصمیم‌گیری‌ها، تلفیق منافع خود با منافع و رفاه دیگران و احترام به ارزش‌هایی مانند عدالت، انصاف و رعایت حقوق دیگران دارای جهت‌گیری مشارکتی در رابطه جنسی هستند. آن‌ها براساس نظریه نگهداری رابطه از راهبردهایی مانند داشتن نگرش مثبت به زندگی، انعطاف‌پذیری، اطمینان به خود، تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها استفاده می‌کنند تا از روابط رمانتیک خود نگهداری کنند (اوگولسکی و مانک، ۲۰۱۹). از سوی دیگر داشتن سطوح بالاتری از جهت‌گیری مبادله‌ای (مانند نگه‌داشتن حساب امتیاز) تأثیرات منفی بر روابط صمیمانه می‌گذارد. همچنین جهت‌گیری مبادله‌ای برای زوج‌های رمانتیک مشکل‌ساز است (استافورد، ۲۰۲۰). جفری و باراتا (۲۰۱۷) تجربه‌های ذهنی زنان را در اعمال فشار جنسی<sup>۲</sup> (ایجاد رابطه جنسی با وعده پاداش یا تهدید به مجازات) بررسی کردند و دریافتند بسیاری از آن‌ها احساس گناه، خشم، ناراحتی، خودسرزنی می‌کنند و تفاسیر منفی از شریک زندگی خود دارند. می‌توان گفت بنا به نظریه نقص یا کمبود زمانی که رابطه‌ای در برخی موارد با کمبود و نقصان مواجه باشد، مانند رضایتمندی کم از رابطه و ارضانشدن نیازهای جنسی به پیمان‌شکنی و خیانت منجر می‌شود (لواندسکی و آکرم، ۲۰۰۶)؛ بنابراین زنانی با هویت جنسیتی وابسته به جنس (غیرآندروژنی‌ها) و زنانی که دارای سطوح پایینی از خردمندی باشند، در رابطه جنسی‌شان جهت‌گیری مبادله‌ای دارند. می‌توان چنین برداشت کرد که این گونه افراد احساس نیاز ذاتی یا میل به هماهنگی برای برآورده ساختن تمنیات جنسی همسر خود ندارند و زمانی وارد روابط جنسی می‌شوند که خود از آن بهره ببرند. در صورتی که رابطه جنسی رابطه‌ای دوطرفه است و زمانی که رابطه دوطرفه به رابطه یک طرفه تبدیل شود، به مرور موجب بی‌علاقگی به ارتباط می‌شود و به تبع آن مشکلات دیگری مانند درگیری در روابط فرازناسویی ایجاد خواهد شد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس برای رسیدن به

1. Sternberg's balance theory

2. sexual coercion



نمونه لازم و محدودیت در جامعه پژوهش اشاره کرد. در ضمن، پژوهش در قالب یک طرح همبستگی انجام شد. از این‌رو، استنباط علی از نتایج آن باید با احتیاط صورت پذیرد. در برخی از خرده فرهنگ‌ها، بخصوص در جوامع سنتی، زنان نسبت به نیازها، توانایی‌ها، ویژگی‌های جنسی و علایق یکدیگر آگاهی خیلی کمی دارند و ناآگاهی موجب بروز بسیاری از مشکلات زناشویی شده است. برای حل این بحران پیشنهاد می‌شود که با آموزش شناخت تفاوت‌های جنسیتی و روانی برای زنان و با مداخلاتی برای افزایش معنویت و تنظیم هیجانی کمک شود تا تعارضات و نارضایتی زناشویی که می‌تواند منجر به روابط فرزندناشویی شود، کاهش یابد. همچنین جنبه‌های جدید انگیزه جنسی در مداخلات روان‌شناختی با هدف بهبود روابط جنسی و بهزیستی رابطه مطالعه شود.

### تشکر و قدردانی

پژوهشگران از مسئولین محترم و شرکت کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی می‌کنند.

### منابع

- ابوالقاسمی، ع.، و کیامرثی، آ. (۱۳۸۵). بررسی رابطه آندروژنی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی در زنان. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. ۴(۱)، ۶۶-۵۵.
- اسعدی، س.، امیری، ش.، و مولوی، ح. (۱۳۹۴). تحول خردمندی از دوره نوجوانی تا سالمندی. مجله روان‌شناسی. ۵۳(۱)، ۷۳-۳۷.
- حبیبی، ح.، و فاطمی، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه جنس و نقش جنسیتی با میزان تاب‌آوری. مطالعات روان‌شناختی. ۱۱(۲)، ۱۳۴-۱۱۵.
- حیدری، م.، زال‌پور، خ.، و مولائی، ا. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس جهت‌گیری در رابطه جنسی. خانواده‌پژوهی. ۶(۲۴)، ۵۲۵-۵۱۱.
- ظفرقلی‌زاده، ن.، خادمی، ع.، و تسبیح‌سازان مشهدی، ر. (۱۴۰۰). بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس استعداد روابط فرزندناشویی در زنان. مجله روان‌شناسی. ۲۵(۱)، ۹۷-۶۷.
- علی‌اکبری دهکردی، م. (۱۳۹۶). مبانی نظری و پژوهشی روان‌شناسی جنسیت و نظریه آندروژنی به انضمام مقیاس‌های آندروژنی. تهران: محراب.
- فردوسی، س. (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی براساس رفتار دلبستگی در روابط زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دلبستگی در زنان متأهل. روان‌شناسی معاصر. ۱۳(۲)، ۱۵۷-۱۴۹.
- کریمی، ر. (۱۳۹۴). راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS. تهران: هنگام.
- لطف‌آبادی، ح. (۱۳۹۸). روان‌شناسی رشد. تهران: انتشارات سمت.
- محسن‌زاده، ف.، نظری، ع.، و عارفی، مختار. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). مطالعات راهبردی زنان. ۱۴(۵۳)، ۴۲-۷.
- نوری، ر. (۱۳۹۲). مهارت‌های معنوی: کتاب کار دانشجویان. تهران: وزارت علوم و تحقیقات فناوری، دفتر مشاوره و

## References

- Akgün, A. E. (2020). Team wisdom in software development projects and its impact on project performance. *International Journal of Information Management*, 50(2), 228-243.
- Amidon, A. D. (2007). Intimate relationships: Adult attachment, emotion regulation, gender roles, and infidelity. *PhD dissertation*. Faculty of the Graduate School. The University of Texas. Austin.
- Ardelt, M. (2003). Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on Aging*, 25(3), 275-324.
- Ardelt, M. (2004). Wisdom as expert knowledge system: A critical review of a contemporary operationalization of an ancient concept. *Human Development*, 47(5), 257-285.
- Ardelt, M., Gerlach, K. R., & Vaillant, G. E. (2018). Early and midlife predictors of wisdom and subjective well-being in old age. *The Journals of Gerontology: Series B*, 73(8), 1514-1525.
- Ardelt, M., & Jeste, D. V. (2018). Wisdom and hard times: The ameliorating effect of wisdom on the negative association between adverse life events and well-being. *The Journals of Gerontology: Series B*, 73(8), 1374-1383.
- Ateş, G. (2018). Associated factors of subjective well-being in married individuals: Online infidelity tendency, gender roles, and marital satisfaction. *PhD dissertation*. Middle East Technical University. Ankara.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *Journal of Family Psychology*, 15(4), 735-749.
- Baltes, P. B., & Smith, J. (1990). Toward a psychology of wisdom and its ontogenesis. In *Wisdom: Its nature, origins and development* (pp. 87-120). Cambridge University Press.
- Baltes, P. B., & Staudinger, U. M. (2000). Wisdom: A metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence. *American Psychologist*, 55(1), 122-136.
- Barbaro, N., Pham, M. N., & Shackelford, T. K. (2015). Solving the problem of partner infidelity: Individual mate retention, coalitional mate retention, and in-pair copulation frequency. *Personality and Individual Differences*, 82(8), 67-71.
- Beltrán-Morillas, A. M., Valor-Segura, I., & Expósito, F. (2019). Unforgiveness motivations in romantic relationships experiencing infidelity: Negative affect and anxious attachment to the partner as predictors. *Frontiers in Psychology*, 10,

- Bem, S. L. (1974). The measurement of psychological androgyny. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42(2), 155-162.
- Bem, S. L. (1981). Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychological Review*, 88(4), 354-364.
- Birnbaum, G. E., Mizrahi, M., Kovler, L., Shutzman, B., Aloni-Soroker, A., & Reis, H. T. (2019). Our fragile relationships: Relationship threat and its effect on the allure of alternative mates. *Archives of Sexual Behavior*, 48(3), 703-713.
- Borhan, N., & Bozo, O. (2017). Spirituality and intrinsic religiosity: Moderators of wisdom and psychological well-being relation. *Innovation in Aging*, 1(1), 243-244.
- Braun, T., Rohr, M. K., Wagner, J., & Kunzmann, U. (2018). Perceived reciprocity and relationship satisfaction: Age and relationship category matter. *Psychology and Aging*, 33(5), 713-727.
- Brewer, G., & Abell, L. (2015). Machiavellianism and sexual behavior: Motivations, deception and infidelity. *Personality and Individual Differences*, 74(2), 186-191.
- Brewer, G., Hunt, D., James, G., & Abell, L. (2015). Dark Triad traits, infidelity and romantic revenge. *Personality and Individual Differences*, 83(9), 122-127.
- Brienza, J. P., Kung, F. Y., Santos, H. C., Bobocel, D. R., & Grossmann, I. (2018). Wisdom, bias, and balance: Toward a process-sensitive measurement of wisdom-related cognition. *Journal of Personality and Social Psychology*, 115(6), 1093-1126.
- Callaghan, L., Brookes, N., & Palmer, S. (2017). Older people receiving family-based support in the community: A survey of quality of life among users of 'Shared Lives' in England. *Health & Social Care in the Community*, 25(5), 1655-1666.
- Clark, M. S., & Mills, J. (1979). Interpersonal attraction in exchange and communal relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37(1), 12-24.
- Clayton, V. P., & Birren, J. E. (1980). The development of wisdom across the life span: A reexamination of an ancient topic. *Life-Span Development and Behavior*, 3, 103-135.
- Clayton, V. P., & Birren, J. E. (1980). The development of wisdom across the life span: A reexamination of an ancient topic. In P. B. Baltes & O. G. Brim, Jr. (Eds.), *Life-span development and behavior* (Vol. 3, pp. 103-135). New York: Academic Press.
- Cornish, M. A., Hanks, M. A., & Gubash Black, S. M. (2020). Self-forgiving processes in therapy for romantic relationship infidelity: An evidence-based case study. *Psychotherapy*, 57(3), 352-365.
- Cryan, J., Tang, S., Zhang, X., Metzger, M., Zheng, H., & Zhao, B. Y. (2020). Detecting gender stereotypes: Lexicon vs. supervised learning methods.

- Proceedings of the 2020 CHI Conference on Human Factors in Computing Systems.*
- Day, L. C., Muise, A., Joel, S., & Impett, E. A. (2015). To do it or not to do it? How communally motivated people navigate sexual interdependence dilemmas. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 41(6), 791-804.
- Dehaji, N. S.-e., Chale, S., Dehghani, S., Hedayati, F. S., & Ebrahimi, M. (2020). The role of psychological factors and marital satisfaction in predicting of extramarital relations among married women in Yazd. *Journal of Advanced Pharmacy Education & Research*. 10(2), 92-95.
- Dehghanharati, M., Shirvani, E., & Salmaninodoushan, S. (2017). Prediction extramarital relations (treason) on the basis of schemas in couples who applicant to divorce. *Iranian Journal of Positive Psychology*. 3(3), 75-80.
- Dicke, A.-L., Safavian, N., & Eccles, J. S. (2019). Traditional gender role beliefs and career attainment in stem: A gendered story? *Frontiers in Psychology*. 10(5), 1053-1076.
- Emami, M. H. D., Nouri, M., & Mahdavi, M. A. (2018). The role of psychosocial factors affecting marital satisfaction in couples after marital infidelity. *Researcher Bulletin of Medical Sciences*. 23(1), 1-11.
- Fallis, E. E., Rehman, U. S., Woody, E. Z., & Purdon, C. (2016). The longitudinal association of relationship satisfaction and sexual satisfaction in long-term relationships. *Journal of Family Psychology*. 30(7), 822-831.
- Flores, A. (2020). How gender role attitudes impact the perceptions of relational cheating. *Angelo State University Social Sciences Research Journal*. 14(8), 1-10
- Fye, M. A., & Mims, G. A. (2019). Preventing infidelity: A theory of protective factors. *The Family Journal*. 27(1), 22-30.
- Garcia, L.T. (1982). Sex-role orientation and stereotypes about male female sexuality. *Sex Roles*. 8, 863-876.
- Garza, L. (2020). The role of gender and attitudes toward infidelity in therapists' treatment decisions for couples presenting with physical infidelity. *PhD dissertation in Clinical Psychology*. Fielding Graduate University.
- Gewirtz-Meydan, A. (2017). Why do narcissistic individuals engage in sex? Exploring sexual motives as a mediator for sexual satisfaction and function. *Personality and Individual Differences*. 105(1), 7-13.
- González-Rivera, J. A., Aquino-Serrano, F., & Pérez-Torres, E. M. (2020). Relationship satisfaction and infidelity-related behaviors on social networks: a preliminary online study of hispanic women. *European Journal of Investigation in Health, Psychology and Education*. 10(1), 297-309.

- Glasser, W. (1999). *Choice theory: A new psychology of personal freedom* (1<sup>st</sup> ed.). New York: HarperPerennial.
- Grossmann, I., Gerlach, T. M., & Denissen, J. J. (2016). Wise reasoning in the face of everyday life challenges. *Social Psychological and Personality Science*. 7(7), 611-622.
- Grossmann, I. (2017). Wisdom in context. *Perspectives on Psychological Science*. 12(2), 233-257.
- Gui, Y. (2019). Gender role attitudes and their psychological effects on Chinese youth. *Social Behavior and Personality: An International Journal*. 47(5), 1-8.
- Gul, P., & Schuster, I. (2020). Judgments of marital rape as a function of honor culture, masculine reputation threat, and observer gender: A cross-cultural comparison between Turkey, Germany, and the UK. *Aggressive Behavior*. 46(4), 341-353.
- Harris, C. R. (2003). Factors associated with jealousy over real and imagined infidelity: An examination of the social-cognitive and evolutionary psychology perspectives. *Psychology of Women Quarterly*. 27(4), 319-329.
- Horne, R. M., & Johnson, M. D. (2018). Gender role attitudes, relationship efficacy, and self-disclosure in intimate relationships. *The Journal of Social Psychology*. 158(1), 37-50.
- Hughes, T. G., & Snell Jr, W. E. (1990). Communal and exchange approaches to sexual relations. *Annals of Sex Research*. 3(2), 149-163.
- Huynh, A. C., Oakes, H., Shay, G. R., & McGregor, I. (2017). The wisdom in virtue: Pursuit of virtue predicts wise reasoning about personal conflicts. *Psychological Science*. 28(12), 1848-1856.
- Hyde, J. S. (1996). *Half the human experience the psychology of women*. Lexington: D.C. Health and Company.
- Jahan, Y., Chowdhury, A. S., Rahman, S. A., Chowdhury, S., Khair, Z., Huq, K. E., & Rahman, M. M. (2017). Factors involving extramarital affairs among married adults in Bangladesh. *International Journal of Community Medicine and Public Health*. 4(5), 1379-1386.
- James, A. I. (2020). Language, society and gender. *Journal of Humanistic and Social Studies*. 11(1), 41-52.
- Jarvis, S. N., McClure, M. J., & Bolger, N. (2019). Exploring how exchange orientation affects conflict and intimacy in the daily life of romantic couples. *Journal of Social and Personal Relationships*. 36(11-12), 3575-3587.
- Jeffrey, N. K., & Barata, P. C. (2017). "He didn't necessarily force himself upon me, but..." Women's lived experiences of sexual coercion in intimate relationships with men. *Violence against Women*. 23(8), 911-933.

- Jeste, D. V., Lee, E. E., Palmer, B. W., & Treichler, E. B. (2020). Moving from humanities to sciences: A new model of wisdom fortified by sciences of neurobiology, medicine, and evolution. *Psychological Inquiry*, 31(2), 134-143.
- Kim, J., Muise, A., & Impett, E. A. (2018). The relationship implications of rejecting a partner for sex kindly versus having sex reluctantly. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(4), 485-508.
- King, T. L., Singh, A., & Milner, A. (2019). Associations between gender-role attitudes and mental health outcomes in a nationally representative sample of Australian adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 65(1), 72-78.
- Larkin, H. M. (2020). Religion, Well-being, and Stigma. *Master's thesis*. Texas Tech University. Lubbock. TX, USA.
- Lee, E. E., Bangen, K. J., Avanzino, J. A., Hou, B., Ramsey, M., Eglit, G., ..., & Jeste, D. V. (2020). Outcomes of randomized clinical trials of interventions to enhance social, emotional, and spiritual components of wisdom: A systematic review and meta-analysis. *JAMA Psychiatry*, 77(9), 1-11.
- Le, B. M., Impett, E. A., Lemay Jr, E. P., Muise, A., & Tskhay, K. O. (2018). Communal motivation and well-being in interpersonal relationships: An integrative review and meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 144(1), 1-25
- Lewandowski, G. W., & Ackerman, R. A. (2006). Something's missing: Need fulfillment and self-expansion as predictors of susceptibility to infidelity. *The Journal of Social Psychology*, 146(4), 389-403.
- Li, T., & Fung, H. H. (2019). Communal one day, exchange the next: Daily relationship orientation mediates the influence of perceived stress on constructive interactions in close relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 36(7), 2096-2115.
- Lopes, G. S., Shackelford, T. K., Buss, D. M., & Abed, M. G. (2020). Individual differences and disagreement in romantic relationships. *Personality and Individual Differences*, 155(3), 109735-109745.
- Matud, M. P., Bethencourth, J. M., Ibáñez, I., & Fortes, D. (2020). Gender and psychological well-being in older adults. *International Psychogeriatrics*, 32(11), 1293-1302.
- Maxwell, J. A., Muise, A., MacDonald, G., Day, L. C., Rosen, N. O., & Impett, E. A. (2017). How implicit theories of sexuality shape sexual and relationship well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 112(2), 238-279.
- Maslow, A. H. (1950). Self-actualizing people: A study of psychological health. *Personality, Symposium*, 1, 11-34.

- McAllister, P., Henderson, E., Maddock, M., Dowdle, K., Fincham, F. D., & Braithwaite, S. R. (2020). Sanctification and cheating among emerging adults. *Archives of Sexual Behavior*, *49*(3), 1177–1188.
- McCall, M. E., & Struthers, N. J. (1994). Sex, sex-role orientation and self-esteem as predictors of coping style. *Journal of Social Behavior and Personality*, *9*(4), 801-810.
- Muise, A., Bergeron, S., Impett, E. A., Delisle, I., & Rosen, N. O. (2018). Communal motivation in couples coping with Vulvodinia: Sexual distress mediates associations with pain, depression, and anxiety. *Journal of Psychosomatic Research*, *106*(3), 34-40.
- Muise, A., Bergeron, S., Impett, E. A., & Rosen, N. O. (2017). The costs and benefits of sexual communal motivation for couples coping with Vulvodinia. *Health Psychology*, *36*(8), 819-827.
- Muise, A., & Impett, E. A. (2016). Applying theories of communal motivation to sexuality. *Social and Personality Psychology Compass*, *10*(8), 455-467.
- Norona, J. C., Olmstead, S. B., & Welsh, D. P. (2018). Betrayals in emerging adulthood: A developmental perspective of infidelity. *The Journal of Sex Research*, *55*(1), 84-98.
- Oberle, C. D., Dooley, A. A., & Nagurney, A. J. (2017). Predicting perceived infidelity from gender and interpersonal traits. *Sexual and Relationship Therapy*, *32*(1), 89-101.
- Ogolsky, B. G., & Monk, J. K. (2019). *Relationship maintenance: Theory, process, and context*. Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Özkul, K. (2020). Dishonesty in close relationships: The effect of the dark triad personality traits and adult attachment styles on the perceptions of infidelity. *PhD dissertation in Social Sciences*. Middle East Technical University.
- Pargament, K. I., & Mahoney, A. (2005). Theory: Sacred matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion. *The International Journal for the Psychology of Religion*, *15*(3), 179-198.
- Pratscher, S. D., Rose, A. J., Markovitz, L., & Bettencourt, A. (2018). Interpersonal mindfulness: Investigating mindfulness in interpersonal interactions, co-rumination, and friendship quality. *Mindfulness*, *9*(4), 1206-1215.
- Rosen, N. O., Muise, A., Bergeron, S., Delisle, I., & Baxter, M. L. (2015). Daily associations between partner responses and sexual and relationship satisfaction in couples coping with provoked Vestibulodynia. *The Journal of Sexual Medicine*, *12*(4), 1028-1039.

- Şahin, R., Baloğlu, M., Erdem, A., & Erdem, Ş. (2020). Wisdom in relation to ecopsychological self. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*. <https://doi.org/10.1007/s12144-019-00599-x>
- Santos, H. C., Huynh, A. C., & Grossmann, I. (2017). Wisdom in a complex world: A situated account of wise reasoning and its development. *Social and Personality Psychology Compass*, *11*(10), e12341.
- Sari, C. K., Tondok, M. S., & Muttaqin, D. (2020). The Role of sexual self-control as moderator between sexual desire and premarital sexual behaviors. *Journal Psikologi*, *47*(1), 43-55.
- Scheeren, P., Apellániz, I. d. A. M. d., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: the experience of men and women. *Temas em Psicologia*, *26*(1), 355-369.
- Sebastian, H., & Valle, V. (1988). Implications of psychological androgyny in the field of adjustment and mental health. *The Journal of Personality and Social Psychology*, *52*, 43-53.
- Segami, V. B., & Van Eeden, C. (2020). Marital symbols and the marriage satisfaction and spiritual well-being of BaTswana married women. *Journal of Psychology in Africa*, *30*(1), 37-43.
- Sevi, B., Urganci, B., & Sakman, E. (2020). Who cheats? An examination of light and dark personality traits as predictors of infidelity. *Personality and Individual Differences*, *164*(10), 164, 1-7.
- Shackelford, T. K., & Weekes-Shackelford, V. A. (2018). *Encyclopedia of evolutionary psychological science*. Cham: Springer.
- Shaffer, D. R., & Kipp, K. (2013). *Developmental psychology: Childhood and adolescence* (9th ed.). Belmont, CA: Wadsworth Cengage Learning.
- Shimonaka, Y., Nakazato, K., & Homan, A. (1990). Personality longevity and successful aging among Tokyo metropolitan centenarians. *International Journal of Aging and Human Development*, *42*, 173-187.
- Stafford, L. (2020). Communal strength, exchange orientation, equity, and relational maintenance. *Journal of Social and Personal Relationships*, *38*(8-9), 2345-2365.
- Sternberg, R. J. (1998). A balance theory of wisdom. *Review of General Psychology*, *2*(4), 347-365.
- Szabó, E., & Jones, D. N. (2019). Gender differences moderate Machiavellianism and impulsivity: Implications for Dark Triad research. *Personality and Individual Differences*, *141*(4), 160-165.
- Tafadzwa, M., & Herbert, Z. (2018). The nuptials dilemma: Psycho-social factors behind marital infidelity among men in Harare, Zimbabwe. *International Journal of Education and Psychology in the Community*, *8*(1/2), 109-128.



- Taylor, M. C., & Hall, J. A. (1982). Psychological androgyny: Theories, methods, and conclusions. *Psychological Bulletin*, 92(2), 3473-366.
- Thomas, M. L., Bangen, K. J., Palmer, B. W., Martin, A. S., Avanzino, J. A., Depp, C. A., Jeste, D. V. (2019). A new scale for assessing wisdom based on common domains and a neurobiological model: The San Diego Wisdom Scale (SD-WISE). *Journal of Psychiatric Research*, 108(1), 40-47.
- Timmermans, E., & Courtois, C. (2018). From swiping to casual sex and/or committed relationships: Exploring the experiences of Tinder users. *The Information Society*, 34(2), 59-70.
- Tirone, V., & Katz, J. (2020). When do motives to sexually please a male partner benefit women's own sexual agency? *Sex Roles*, 82(5-6), 336-344.
- Tolman, D. L., Davis, B. R., & Bowman, C. P. (2016). "That's just how it is" A gendered analysis of masculinity and femininity ideologies in adolescent girls' and boys' heterosexual relationships. *Journal of Adolescent Research*, 31(1), 3-31.
- Waddell, C., Van Doorn, G., March, E., & Grieve, R. (2020). Dominance or deceit: The role of the Dark Triad and hegemonic masculinity in emotional manipulation. *Personality and Individual Differences*, 166, 110160.
- Wang, F., & Wei, X. (2020). Southerners are wiser than northerners regarding interpersonal conflicts in China. *Frontiers in Psychology*, 11(2), 225-233.
- Weigel, N. L., Vodolaga, V. V., Shapoval, G. N., Kartashova, E. A., & Safronenko, A. V. (2020). Modern androgyny as a manifestation of a universal personality. *Talent Development & Excellence*, 12(3s), 234-241.
- Wilcove, J. L. (1998). Perceptions of masculinity, femininity, and androgyny among a select cohort of gifted adolescent males. *Journal for the Education of the Gifted*, 21(3), 288-309.
- Wright, M. F. (2020). The role of technologies, behaviors, gender, and gender stereotype traits in adolescents' cyber aggression. *Journal of Interpersonal Violence*, 35(7-8), 1719-1738.
- Wright, M. F., & Wachs, S. (2020). Adolescents' Cyber victimization: The influence of technologies, gender, and gender stereotype traits. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(4), 1293-1304.
- Wu, R., Liu, Z., Guo, Q., Cai, M., & Zhou, J. (2020). Couple similarity on personality, moral identity and spirituality predict life satisfaction of spouses and their offspring. *Journal of Happiness Studies*, 21(3), 1037-1058.
- You, S., Shin, K. (2020). Influence of patriarchal sex-role attitudes on perpetration of dating violence. *Current Psychology*. <https://doi.org/10.1007/s12144-020-00632-4>

- Yuan, S., & Weiser, D. A. (2019). Relationship dissolution following marital infidelity: Comparing European Americans and Asian Americans. *Marriage & Family Review*. 55(7), 1-20.
- Zare, B. (2011). Review of studies on infidelity. *International Proceedings of Economics Development and Research*. 19(2), 182-186.